



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

چاپ
ششم

مترجم

راه و رسم طلبگی

طلب و برنامه زندگی

محمد صالح زاهد نوری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه و رسم طلبگی

نویسنده:

محمد عالم زاده نوری

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی ولاء منتظر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	راه و رسم طلبگی جلد ۴
۷	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۲	فهرست
۱۴	مقدمه
۱۶	برنامه ریزی
۱۶	اشاره
۲۰	ضرورت برنامه ریزی
۲۴	آشنایی با برنامه ریزی
۲۸	اصول حاکم بر برنامه
۲۸	اصل اول: جامعیت
۲۹	اصل دوم: هماهنگی و توازن، تناسب تقریبی
۳۴	اصل سوم: تنوع
۳۶	اصل چهارم: برخورداری از نگاه کلی
۳۷	اصل پنجم: زمانمندی
۳۹	اصل ششم: پوشش کامل
۴۱	اصل هفتم: استحکام (اعتقاد به برنامه)
۴۱	توان برنامه ریزی
۴۶	نکاتی پیرامون برنامه ریزی
۵۲	برنامه زندگی طلبه
۵۲	طرح کلان فعالیت های طلبه
۵۳	صفحات زندگی حوزویان
۵۵	دوره رشد و تحصیل

۵۸	برنامه شبانه روز
۵۹	زمان ها
۶۱	پنج شنبه ها
۶۲	جمعه ها
۶۴	برنامه علمی
۶۸	طلبه و آهنگ فعالیت های فصل تابستان
۶۸	اشاره
۷۵	ویژگی های دوره تحصیلی سطح ۲
۷۸	در تابستان چه کنیم؟
۸۵	درباره مرکز

سرشناسه: عالم زاده نوری، محمد، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: راه و رسم طلبگی /مؤلف محمد عالم زاده نوری.

مشخصات نشر: قم: موسسه فرهنگی ولاء منتظر، ۱۳۸۹ -

مشخصات ظاهری: ج ۷؛ ۱۲×۲۱ س م.

شابک: ۷۰۰۰۰ ریال: دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۵-۹؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۹۷۸-۱-۶۰۰-۵۵۵۱-۱۸-۱؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۱؛ ۲۰۰۰۰ ریال (ج. ۱، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۲؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۱۹-۸؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ سوم)؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۲، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۳؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۰-۴؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۳، چاپ چهارم)؛ ۳۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۳؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۴؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۱-۱؛ ۱۹۰۰۰۰ ریال (ج. ۴، چاپ چهارم)؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۴؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۵؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۲-۸؛ ۳۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۵؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج. ۵، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۶؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۳-۵؛ ۲۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۶؛ ۲۰۰۰۰ ریال (ج. ۶، چاپ چهارم)؛ ۱۰۰۰۰ ریال: ج. ۷؛ ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۵۱-۲۴-۲؛ ۴۰۰۰۰ ریال (چاپ سوم) ج. ۷؛ ۴۰۰۰۰ ریال (ج. ۷، چاپ چهارم)

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً به صورت مستقل نیز منتشر شده است.

یادداشت: ج. ۲ و ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۹).

یادداشت: ج. ۱-۷ (چاپ سوم: تابستان ۱۳۹۱).

یادداشت: ج. ۱-۳ (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۹۱).

یادداشت: ج. ۴-۷ (چاپ چهارم: تابستان ۱۳۹۱).

یادداشت: این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج. ۱. ارزش و افتخارات طلبه. -ج. ۲. هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی. -ج. ۳. طلبه در دوران رشد و تحصیل. -ج. ۴. طلبه و برنامه زندگی. -ج. ۵. طلبه و جهت گیری تخصصی. -ج. ۶. علم دیگر. -ج. ۷. طلبه؛ نشاط و طراوت طلبگی.

موضوع : حوزه های علمیه -- ایران

موضوع : طلاب -- راه و رسم زندگی

شناسه افزوده : ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. معاونت امور فرهنگی

رده بندی کنگره : BP۷ع/۱۶۲۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۷

شماره کتابشناسی ملی : ۲۱۲۲۴۵۵

ص : ۱

اشاره

جلد چهارم راه و رسم طلبگی

مؤلف

ص: ۳

انتشارات ولاء منتظر عجل الله تعالى فرجه الشريف

قم، خیابان شهداء (صفائیه)، کوچه ۳۷ (سپاه)،

فرعی پنجم، پلاک ۱۰۴؛ تلفکس: ۷۷۴۹۴۵۸ (۰۲۵۱) www.v-montazar.com info@v-montazar.com

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش انحصاری:

قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی؟ (ارم)، روبروی پاساژ قدس، ساختمان کوثر، انتشارات سوره مهر (مؤسسه رحماء)؛

۶ و ۰۲۷۸۳۹۴۰۲ (۰۲۵۱) - ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

ص: ۴

مقدمه. ۷

برنامه ریزی. ۹

ضرورت برنامه ریزی.. ۱۳

آشنایی با برنامه ریزی.. ۱۷

اصول حاکم بر برنامه. ۲۱

اصل اول: جامعیت.. ۲۱

اصل دوم: هماهنگی و توازن، تناسب تقریبی.. ۲۲

اصل سوم: تنوع. ۲۶

اصل چهارم: برخورداری از نگاه کلی.. ۲۸

اصل پنجم: زمانمندی.. ۲۹

اصل ششم: پوشش کامل.. ۳۱

اصل هفتم: استحکام (اعتقاد به برنامه). ۳۳

توان برنامه ریزی.. ۳۳

نکاتی پیرامون برنامه ریزی.. ۳۷

برنامه زندگی طلبه. ۴۳

طرح کلان فعالیت های طلبه. ۴۳

صفحات زندگی حوزویان.. ۴۴

ص: ۵

دورهٔ رشد و تحصیل.. ۴۶

برنامهٔ شبانه روز. ۴۹

زمان ها. ۵۰

پنج شنبه ها. ۵۲

جمعه ها. ۵۳

برنامه علمی.. ۵۵

طلبه و آهنگ فعالیت های فصل تابستان. ۵۹

ویژگی های دورهٔ تحصیلی سطح ۲. ۶۶

در تابستان چه کنیم؟. ۶۹

ص: ۶

آغاز این کتاب پایان یک کتاب دیگر است. زیرا دفتر مسائل صنفی طلبه پس از دفتر مسائل شخصی او باز می شود. طلبه پیش از آنکه رسالت های طلبگی را بر دوش گیرد، رسالت های انسانی به دوش دارد و پیش از آنکه عنوان طلبه را دریافت کند، به عنوان یک انسان مسلمان بایسته هایی پیش رو دارد. از این رو سخنی که با «طلبه» به عنوان یک امانت دار الهی - نه به عنوان طلبه - باید گفته شود، سخنی عام است که در کتابی دیگر آمده است (۱).

اما فصل آخر آن اثر با بخش اول این دفتر پیوند دارد. آن فصل در باب «برنامه ریزی» است. موضوع برنامه ریزی که عنوان جامع اکثر دغدغه ها و نگرانی های طلاب است در این نوشتار نیز دستاویزی برای ارائه نگاه کلان به مسائل زندگی صنفی طلبه قرار گرفته و با محوریت خود به زوایای مختلف زندگی او شاخه دوانده است.

در این دفتر ابتدا به بازشناسی مفهوم «برنامه» و اصول حاکم بر

ص: ۷

۱- . به کجا و چگونه؟ نیم نگاهی به آرمان کمال و راه رسیدن به آن، عالم زاده نوری، محمد؛ قم، مرکز انتشارات مؤسسه امام خمینی ره، ۱۳۸۵.

آن پرداخته شده که برای طلبه و غیر طلبه مفید و کارگشا است. آنگاه با استفاده از آموزه هویت صنفی طلبه در دفتر دوم، پیشنهادی برای «برنامه زندگی طلبه» ارائه شده است.

ص: ۸

همه ما آن گاه که با ارزش وجود خود آشنا شدیم و دانستیم که قابلیت رشد و کمال انسانی در ما نهفته است و دریافتیم که می توانیم به موجودی پربها و باعظمت تبدیل شویم و باور داشتیم که حقیقت وجود ما - با اختیار و اراده و هم تلاش و مجاهدت - مسجود فرشتگان و کزویان می گردد، چنین می پرسیم: «راز رسیدن به این همه امتیاز و شرافت چیست؟ و چگونه می توان بدان دست یافت؟»

همه ما آن هنگام که زندگی برایمان جدی و لحظه لحظه عمر برایمان گران قدر و مغتنم گردد، آن روز که بهره بردن از ساعات و لحظات حیات، برای ما مسئله و مورد اهتمام شود و از دست دادن آن خسارت و تباهی در نظرمان آید، چنین می پرسیم: چه باید کرد؟ چگونه باید بود؟ چگونه باید زیست؟

همه ما که به خوبی دریافته ایم در سایه «بندگی و عبودیت خدا» می توان به مطلوب نهایی و کمال واقعی رسید و قلمه بلند تکامل، «پسند و رضایت» اوست، به زبان حال می گوئیم:

وظیفه ما چیست؟ چه عمل، صفت یا کیفیتی مورد پسند اوست که برای

تأمین آن بکوشیم؟ و چگونه می توان رضایتش را تأمین کرد؟

پاسخ کلی این دست پرسش ها را سفیران الهی برای ما و همه انسان ها به ارمغان نهاده اند. و یادگار پیامبر فرجامین قرآن و عترت- عهده دار کشف همین رازها و حل همین سؤال ها است. کتاب خدا و تعالیم معصومان با ارائه فهرست ارزشمندی از باورهای استوار، اخلاق پسندیده و افعال شایسته، چراغ روشنی فرا راه بشریت نهاده تا هر که آهنگ صعود و سعادت دارد، دچار حیرت و سرگردانی نشود؛ عبادت و نیایش، تحصیل دانش، خدمت به اجتماع، تلاش در رفع نیاز دیگران، احسان به پدر و مادر، ارتباط با خویشاوندان، مقابله با ستم و تعدی، تأمین معیشت، احترام به حقوق، انفاق در راه خدا، کسب مهارت ها و توانایی های مختلف، واکنش نسبت به فساد و منکر، تلاش برای اصلاح جامعه و... همه، آموزه های مکتب انبیا است که اینک در دسترس ما قرار دارد و ما برای تغییر شاکله وجودی خویش و گام برداشتن به سوی قلّه انسانیت باید از آن بهره بگیریم. اما...

گاهی در شرایطی قرار می گیریم که آغاز یک عمل ما را از پرداختن به عمل دیگر باز می دارد و محروم می سازد. در میانه این دو عمل، که هر دو باهم قابل انجام نیست، کدام یک را باید برگزید؟ اگر فرصت زمانی کوتاه یا توان محدود، تنها اجازه انتخاب یکی از دو گزینه را دهد، کدام بر دیگری اولویت دارد؟ حوزه یا دانشگاه؟ عبادت یا مطالعه؟ کار یا ورزش؟ روزنامه یا کتاب؟ این کتاب یا دیگری؟ خانواده یا فامیل؟ پدر یا برادر؟ سخن یا سکوت؟ سفر یا وطن؟ به این شهر یا آن شهر؟ خانه یا مسجد؟ و ده ها دو راهی دیگر.

انتخاب یکی از میان این ها، نیازمند تشخیص «خوب» از «بهتر»

و آگاهی از درجه ارزش و ضریب اهمیت آن‌ها است. گرچه به صورت کلی می‌توان میان کارهای خوب ارزش داوری و اولویت بندی کرد، اما به صورت جزئی، اهمیت امور زندگی در زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف و برای انسان‌هایی با روحیه‌ها و نیازهای متفاوت یکسان نیست؛ برای کسی، در زمان مشخصی، مطالعه شایسته‌تر از عبادت و برای دیگری، در شرایط دیگر، عبادت شایسته‌تر از تحصیل است. به همین جهت وظایف جزئی انسان‌ها دائماً در حال تغییر و نوسان است گرچه صراط مستقیم عبودیت واحد است. پس شناخت شرایط و نیز ملاک‌های اولویت برای تشخیص «وظیفه فعلی» ضروری است.

برای کسی که می‌خواهد هر لحظه از عمر خود را در بهترین و مفیدترین برنامه صرف کند، این سؤال درشت‌تر و برجسته‌تر است. کسی که می‌خواهد ذره‌ای از استعدادها و توانایی‌های خود را ضایع نکند و همه اعمال و حرکات او همیشه بهترین باشد و بیشترین درجه از رضای خدا و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را تأمین کند و به همه آنچه می‌تواند، نائل گردد، کسی که به کم بسنده نکرده و تنها مسلمان بودن یا از آتش دوزخ رهیدن، سیرابش نمی‌کند بلکه تقاضای الگوشدن برای همه نیکان و پاکان را دارد(۱)،

کسی که دوست دارد از کارگزاران دولت مهدوی قرار گیرد و در کادر نهضت عدالت صاحب مکانت و شرافت باشد(۲)،
وظیفه اش تنها التزام به واجب و حرام مصطلح نیست و توصیه‌های مفرد کفایتش نمی‌کند.

ص: ۱۱

۱- <الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا... وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا> فرقان، آیه ۷۴.

۲- «وَجَعَلْنَا مَمَّن... يَكْرَهُ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَ يَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يَمَكُنُ فِي أَيَامِكُمْ». (زیارت جامعه کبیره)

اگر به او بگویند تحصیل علم، ورزش، عبادت، ازدواج، خدمت به مردم و... وظیفه و مطلوب است، بی درنگ می پرسد: «برای من، در این لحظه، کدام یک؟». اگر بگویند در روند علمی تو آشنایی با دین خدا، بصیرت اجتماعی و مهارت های صنفی لازم است، می پرسد: «چگونه و تا چه حد؟». برای او برگزاری سمینار و ایراد سخنرانی در ضرورت و اهمیت کار فرهنگی، آگاهی های سیاسی یا آشنایی با زبان ارتباطی عصر، انبوهی از پرسش های نو تولید می کند: چگونه؟ کجا؟ چه میزان؟ در چه زمانی؟ با چه روندی؟

از این رو گرچه هرکدام از این توصیه ها و وظیفه ها به تنهایی، دارای اهمیت است و فروغ و درخششی دارد، اما آن گاه که در برابر وظیفه ها و توصیه های دیگر قرار می گیرد، یا مثال شمع و آفتاب می شود و رنگ اهمیت خود را می بازد و یا تحیر می آفریند که چه باید کرد؟ و کدام را باید برگزید؟

ما نیازمند یک دستگاہ ارزش گذاری دقیق هستیم که وظایف انسانی را در منظومه ای کامل، هماهنگ و منسجم قرار دهد و جایگاه هر یک را به خوبی بنمایاند. ما نیازمند هرم معرفتی گویایی هستیم که لحظه به لحظه با نظر به رأس و دامنه و قاعده آن، «اهم» و «مهم» را تشخیص دهیم. ما به جای توصیه های مفرد، متقاضی توصیه های همه جانبه و همه سونگر هستیم؛ فرشته نیستیم که غذایمان تنها تسبیح و تحمید و نیایش باشد، حیوان نیستیم که تنها به نیازهای مادی توجه کنیم. انسانیم؛ معجونی از ده ها عنصر حیاتی که هریک نیازی و همه باهم برنامه ای می طلبد؛ هم درس و مطالعه و مباحثه، هم مناجات و ذکر و دعا، هم ورزش و سلامت و نیرو، هم تلاش و کوشش و سازندگی، هم عشق و هنر و احساس، هم

تفریح و استراحت و نشاط، هم جنگ و جهاد و مبارزه و هم... چگونه این همه را تبدیل به برنامه کنیم؟ برنامه علمی، عبادی، اجتماعی و... بالاخره برنامه زندگی که ترکیب همه این برنامه ها است. چه طرح عملی برای دست یابی به این همه، پیشنهاد می کنید؟ چه ترکیبی از این عناصر مناسب تر است؟ برای مدیریت نفس خود چه کنیم؟ این صراط مستقیم باریک تر از مو را چگونه می توان یافت؟ این سؤال را می توان این گونه بیان کرد:

ما کم تر به برنامه جاری خود «یقین» داریم و بیشتر با «تردید و تزلزل» زندگی می کنیم. «ایمان و اعتقاد راسخ» به راهی که می رویم و کاری که می کنیم نداریم و هیچ گاه آسوده خاطر نیستیم. شاید به همین جهت است که با اندک شبهه و پرسشی، یا تغییر جهت می دهیم یا از حرکت می ایستیم. اگر بدانیم که تک تک اعمال و برنامه های ما بر مصلحت واقعی مان منطبق است و همان است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به بهترین صورت از ما خرسند می گرداند، دل گرم و پرشور و پایدار ادامه می دهیم. ولی چون این یقین و اطمینان برای ما حاصل نشده، در انجام عمل، کم انگیزه و بی رغبتیم. آیا می توان به چنین «اطمینان» و «استحکام شخصیت» دست یافت؟ منطق استوار برنامه ریزی زندگی چگونه کشف می شود؟

ضرورت برنامه ریزی

یکی از مشکلات سهمگین جوان در پیمودن مسیر زندگی «سرگردانی» است. جوانی که دچار این مشکل شده، هیچ طرحی برای آینده خود ندارد و نمی تواند برنامه چند روز دیگر خود را پیش بینی و ترسیم نماید. همیشه در مواجهه با فرصت ها و امکانات

غافل گیر می شود و در پی حل مسایل روزمره به دور خویش می گردد. به سادگی می توان او را جهتی تازه بخشید. زیرا از خود هیچ جهتی ندارد. از هر توصیه و پیشنهادی استقبال می کند و همیشه آماده اجرای یک طرح جدید است. اگر ساعتی برایش در ضرورت یا فایده کاری سخن گویند، رنگ اصلی برنامه او به سوی آن کار تغییر می یابد، ساعتی دیگر ضرورت فعلیتی دیگر را می توان در نظرش بزرگ نمایی نمود و ساعتی دیگر....

به این ترتیب جوان فرصت ها و امکانات خود را بدون تدبیر از دست می دهد.

مخاطب این بحث، اکنون همه جوانان نیستند. روی سخن ما به گروهی از جوانان است که برای آینده خود «راه و رسم طلبگی و تحصیل دانش دین» را برگزیده اند. این دسته گرچه در انتخاب شاهراه حرکت آینده خود، قدمی بزرگ برداشته اند، ولی بسیار دیده می شود که در چگونگی پیمودن این مسیر به تردید و اضطراب می افتند و یا به سبب ناآگاهی ها، سرمایه هایی عظیم را از کف می دهند.

طلبه، مخصوصاً در نقطه ای که اختیار بیشتری برای تنظیم برنامه تحصیلی و آموزشی خود پیدا می کند (پایان سطح یک)، بسیار مستعد گرفتار آمدن به بحران تصمیم گیری است. در این نقطه، اگر عالمی شایسته، او را مثلاً به انس با قرآن و تفسیر، تشویق کند، یکباره روش خود را تغییر داده و دست به کار انجام این توصیه می شود و به جز برنامه های ضروری، همه را متوقف می کند و تنها به تفسیر می اندیشد. روز دیگر در محضر بزرگی، به بینش اجتماعی و کسب توانمندی های لازم برای مواجهه با اجتماع، توصیه می گردد و

وظیفه جدیدی بر دوش خود احساس می کند. فردا در ضرورت تبلیغ و فعالیت فرهنگی، سخنی تازه می شنود و تحت تأثیر آن، جهت تازه ای انتخاب می کند و... .

موجودی این چنین دائماً گرفتار ملامت درونی و همیشه از فعالیت جاری خود گلایه مند و ناخشنود است. در درون، با خود سرستیز دارد و خود را همواره محکوم می کند. مگر آن که با افیون غفلت، یکباره خود را از سؤالات مهم زندگی رهایی بخشیده باشد! این نوع سردرگمی ها غالباً با دل سردی، بی علاقه‌گی و در نهایت پشیمانی از چند سال عمر بر باد رفته! همراه است و به رهاکردن تحصیل حوزوی می انجامد.

طلبه باید یک توانایی بسیار ارزشمند را در همان سال های آغازین طلبگی کسب کند؛ توانمندی «برنامه ریزی» و «مدیریت توان خویشتن». طلبه باید در تنظیم بهینه فعالیت های زندگی به خودشکوفایی برسد و نظام ضرورت ها و وظایف را به دست آورد. به یقین در شرایط کنونی ضرورت ها، بسیار فراوان و وظایف واجب، بسیار انبوه است. برای انتخاب راه، فایده مند بودن یک کار یا حتی ضروری بودن آن کافی نیست. این ضرورت ها، اگر با یکدیگر مقایسه شود و در یک «دستگاه وظایف» قرار گیرد، به «واجب» و «واجب تر» تقسیم می شود و در یک طیف اولویت، نمره پیدا می کند. سخن گفتن از «ضرورت» مطالعه آثار فلان اندیشمند، آموختن زبان دوم، ورزش و تربیت بدنی، کسب هوشمندی سیاسی، و غیر آن بسیار ساده است اگر... هر یک به تنهایی مورد توصیه و موضوع اقدام باشد. اما در مقایسه این ضرورت ها، جایی که تنها امکان انتخاب یکی از این گزینه ها وجود دارد، کدام را باید برگزید؟ پاسخ این

پرسش فقط با داشتن یک طرح کلان و نمای کلی از هویت کاری طلبه امکان پذیر است.

آیا می توان ضریب اهمیت و درجه اولویت برنامه های مختلفی که پیش روی طلبه قرار می گیرد را کشف نمود و بر اساس آن برنامه ای هماهنگ ترسیم کرد؟

ناگفته روشن است که برنامه ریزی جزئی برای استعدادهای متفاوت و علاقه های متعدد امکان پذیر نیست. اگر به اختلاف ها و تمایزها چشم بدوزیم، بی شک سخنی برای ادامه نخواهیم داشت.

اما چه مانع دارد که به جای تمرکز بر این تفاوت ها به مشترکات پردازیم؟ همان اموری که مجموعاً دست به دست هم داده و همه محصلان علوم دینی را زیر یک سایبان جمع نموده و یک عنوان به همه آن ها بخشیده است؛ عنوان «طلبه».

بر اساس این هویت مشترک، انتظار می رود برنامه مشترکی نیز برای فعالیت های طلاب، بتوان ارائه داد. درحالی که هرچه به جزئیات برنامه و اختلاف شرایط، بیشتر توجه کنیم، افراد بیشتری از مخاطبان خود را از گردونه بحث خارج ساخته ایم.

برنامه درسی که از سوی مدیریت حوزه، در دستور کار طلبه قرار دارد، بخشی از این فعالیت های مشترک است. هر طلبه علاوه بر آموزش های رسمی که در حوزه می بیند، نیازهای دیگری دارد که باید با «برنامه» و «به مرور»، برای خود تأمین کند و نمی توان از حوزه انتظار داشت برای همه آن ها تدارکی دیده باشد. طلبه مطالعات جنبی فراوانی نیاز دارد که اگر در برنامه درسی او قرار گیرد، سال های تحصیل حوزه، چندین برابر خواهد شد! طلبه به کسب

مهارت‌هایی مانند نویسندگی، سخن‌وری، تندخوانی، تسلط بر ابزار و شیوه‌های نوین پژوهش و... نیازمند است که نمی‌توان از مدیریت حوزه توقع داشت همه این‌ها را برای او تأمین کند. طلبه باید برای تقویت قوای جسمی خود برنامه و اقدامی داشته باشد و در رژیم غذایی خود مراعات قواعدی را نماید، که الزاماً مدیریت حوزه مسئول آن نیست. برنامه‌ای که مدیریت حوزه تدارک دیده، غالباً ناظر به نیازهای «علمی» طلاب است. آنچه ما به دنبال آن هستیم، برنامه‌زندگی است نه فقط برنامه علمی. البته کار علمی رسمی، مهم‌ترین فعالیت زندگی طلبه است. ولی تنها در کنار امور لازم دیگر، زمینه نیازهای طلبه را به صورت کامل پوشش می‌دهد.

آشنایی با برنامه ریزی

توان جسمی، فکری و روحی ما انسان‌ها برای انجام کارهای مختلف محدود است. با این توان محدود، در یک زمان، تنها امکان انجام چند فعالیت هم‌جهت برای ما وجود دارد. غالباً این‌گونه است که اگر توان خود را صرف انجام کاری نماییم، از انجام کارهای دیگر محروم می‌گردیم. اگر بخواهیم توان اندک خود را به فعالیت‌های فراوان زندگی به گونه‌ای توزیع کنیم که بیشترین بهره را از عمر و توان خود ببریم، نیازمند «برنامه ریزی» هستیم.

«برنامه ریزی» پیش‌بینی ترکیبی خاص، میان فعالیت‌ها است برای کوتاه کردن راه و بهره‌برداری بیشتر از سرمایه‌ها در رسیدن به هدفی مشخص. «برنامه ریزی» عبارت است از طراحی نقشه‌ای جامع برای زندگی، که در آن نقشه، جایگاه هر فعالیت، به خوبی مشخص باشد.

مهندسان قبل از آغاز کار یک ساختمان، به ترسیم نقشه و پیش بینی وضع آینده آن اقدام می کنند. طراحی نقشه یعنی در نظر گرفتن کل زمینه و توزیع بهینه آن بر مجموع نیازها. مثلاً- برای ساختن یک منزل مسکونی، این زمینه باید اتاق، آشپزخانه، هال، سرویس، راه پله، پارکینگ و حیاط را در خود جای دهد. ولی برای ساختن مسجد یا ورزشگاه همین زمینه را باید به شکل دیگری تقسیم کرد. این زمین دارایی ماست که می توان با طراحی های مختلف بهره های متفاوت از آن برد. عمر ما و توان جسمی، ذهنی و روحی ما نیز دارایی ماست که می توانیم با نقشه های مختلفی که برای آن تنظیم می کنیم، بهره های متفاوتی از آن کسب کنیم.

انسان قادر است با اراده و اختیار، فعالیت های گوناگونی برای زندگی برگزیند. این فعالیت ها، اجزا و عناصر برنامه اوست که با نسبت ها و ترکیب های فراوان می توان آن ها را نظام و سامان بخشید. ولی هر ترکیب که انتخاب شود، نتیجه ای غیر از ترکیب دیگر خواهد داشت. این که انسان اکثر زمان و توان خود را به چه کاری اختصاص دهد، در شکل دهی نهایی به شخصیت و هویت او تأثیر دارد. اگر اکثر زمین مورد نظر را به کاشت گل و بوته و نهال اختصاص دهیم، نتیجه نهایی، فراهم آوردن یک فضای سبز یا بوستان است. در حالی که می توان با ساختن چند طبقه بنا و اتاق های متعدد، مدرسه یا درمانگاه پدید آورد. «برنامه ریزی» مدیریت صرف دارایی ها و سرمایه هاست. برای موفقیت بیشتر در این مدیریت باید اولویت ها را کشف کرد، خوب و خوب تر را، مهم و اهم را تشخیص داد و پس از آن، متناسب با ضریب اهمیت هر کار سهمی از دارایی ها را به آن واگذار کرد.

پس قدم اول در برنامه ریزی شناخت هدف است. یعنی از این برنامه چه مطلوبی در نظر است؟ فضای سبز یا درمانگاه؟ پس از انتخاب هدف باید انواع فعالیت ها را در مقایسه با آن هدف ارزش گذاری نمود. مثلاً ارزش اتاق در مقایسه با بوستان و درمانگاه متفاوت است. بسته به این که چه نتیجه ای در نظر گرفته ایم، درصد احتیاج ما به عناصر و اجزا مشخص می شود. کارمند، راننده، دانشجو و طلبه هر یک برای موفقیت بیشتر و استفاده بهتر از سرمایه های خود باید برنامه ریزی کنند. اجزا و عناصر این برنامه ها قطعاً متفاوت خواهد بود. زیرا با انتخاب هدف نیازهای مختلفی پدید می آید و برای رفع این نیازها اجزا و عناصر گوناگون باید انتخاب شود.

پس از «انتخاب هدف»، «تشخیص عناصر لازم» و «اهمیت هر یک»، لازم است «چینش و ترکیب مشخصی» میان آن ها در نظر گرفته شود. گونه های مختلف ترکیب نتیجه های متفاوت در پی دارد. آرد و روغن و شکر با ترکیب مشخصی «حلوا» و با ترکیب دیگری «نان شیرینی» خواهد شد. نسبت دقیق به کار گرفتن هر یک از عناصر، پس از انتخاب هدف جزئی به دست می آید. برنامه علمی طلبه ای که تولید فکر و تحقیق در معارف دینی را هدف جزئی خود قرار داده با طلبه ای که قصد تبلیغ پیام دین را دارد، از این جهت تفاوت خواهد یافت.

انتخاب هدف ← تشخیص عناصر ← ارزشگذاری ← چینش و ترکیب.

برنامه ریزی، کاهش «اوقات رهایی» است. مراد از اوقات رهایی، اوقاتی است که شخص، هیچ مسئولیتی فراروی خود نمی بیند و از

هرگونه الزام و التزامی آزاد است. در این شرایط از تحمل کم ترین زحمت و فشاری شانه خالی می کند. اوقات رهایی اوقات استراحت ماست که نباید کل دایره عمر ما را فراگیرد. «زمان استراحت» زمان کسب نشاط و طراوت و مقدمه انجام اعمال هدف دار است. این «مقدمه» نباید آن چنان گسترده شود که جایی برای «متن» باقی نماند!

گاهی این رهایی، رهایی فکری است. یعنی ذهن ما از پرداختن وظیفه مند به موضوعی مشخص، طفره می رود و آزادانه از این شاخه به آن شاخه تغییر موضع می دهد. گاهی رهایی در میان جمع اتفاق می افتد. گروهی از دوستان گرد هم آمده، هرکس از دری سخنی می گوید و هیچ هدفی دنبال نمی شود «الکلام یجز الکلام». در این اوقات مدار حرکت انسان را، «هوس» او مشخص می کند و بیشتر خوش گذرانی و تنوع جویی موضوعیت دارد. در برنامه، اوقات رهایی به حداقل می رسد و حالت مقدمیت آن حفظ می گردد.

مسلمان، از آن جا که خود را بنده خدا می بیند، همیشه ملتزم است که براساس وظیفه الهی، عمل کند. استفاده از عمر و رشد جامع انسانی و تلاش برای بهتر شدن و بیشترین بهره وجودی را داشتن، وظیفه کلی هر مسلمانی است. برای انجام این وظیفه کلی لازم است همه وظایف خود را شناسایی و در یک طرح عملی جامع رده بندی و سازمان دهی نماییم. در این صورت وظیفه ما اجرای همان برنامه جامع خواهد بود. پس می توان گفت «هنر برنامه ریزی»، همان «هنر تشخیص وظیفه» است و کسی که از «برنامه»ی خود سؤال می کند از «وظیفه خود» سؤال می کند.

اصول حاکم بر برنامه

برنامه ریزی یک هنر است و برای استفاده از یک برنامه نیاز به دانش و مهارت و تجربه وجود دارد. در قدم اول لازم است بایدهای حاکم بر برنامه را مرور کنیم.

اصل اول: جامعیت

برنامه باید جامع باشد. یعنی تمام اجزا و عناصر لازم، در آن حضور داشته باشد. مثلاً برای طراحی یک واحد مسکونی، حیاط، اتاق، آشپزخانه، هال و سرویس لازم است. گلخانه و پارکینگ هم گرچه به آن مرتبه ضرورت ندارد، اما در زیبایی و کمال نقشه کلی ساختمان مؤثر است. یک اتومبیل سواری علاوه بر موتور به چرخ و اتاق و صندلی و چراغ نیاز دارد و فقدان هر یک از این اجزا نقیصه ای غیر قابل تحمل است.

تمام آنچه در برنامه پیش بینی می شود، قید «وجوب» دارد. مثلاً اگر در برنامه شبانه روز خود نیم ساعت ورزش و هفت ساعت کار علمی در نظر گرفتیم، باید به نیم ساعت ورزش همان قدر اهمیت داد که به هفت ساعت درس و بحث. نه به بهانه اهمیت کار علمی می توان از ورزش چشم پوشی کرد و نه به بهانه اهمیت ورزش می توان مطالعه را تعطیل ساخت. در این فرض، نیم ساعت ورزش همان مقدار واجب است که هفت ساعت کار علمی، و هر کدام که ترک شود خللی در تعادل برنامه و تأمین نیازهای ما پدید خواهد آمد.

بخشی از نیازها هر چند در برنامه قید نشود، به صورت طبیعی مورد توجه قرار می گیرد (مثل غذا خوردن و اقامه نماز). ولی برخی

دیگر مورد غفلت واقع می شود. تأکید جدی بر این دسته، موجب می شود خلأی در شخصیت انسان باقی نماند و هیچ قدرتی یا عاملی نتواند با بزرگ نمایی این نیازها ما را دچار احساس خسارت کند یا تناسب و تعادل برنامه ما را یکباره به هم ریزد.

به این ترتیب طلبه موفق، طلبه ای نیست که در کوتاه ترین زمان، بیشترین مواد درسی را به بالاترین کیفیت بخواند، زیرا علاوه بر دروس رسمی حوزه دانش ها، توانمندی ها و آگاهی های دیگری نیز باید کسب شود.

اصل دوم: هماهنگی و توازن، تناسب تقریبی

در برنامه کامل تناسب اجزا و عناصر «به طور تقریبی» حفظ می گردد. کلمه «به طور تقریبی» اهمیت فراوانی در این جمله دارد؛ زیرا در یک زمینه مشخص و برای رسیدن به یک هدف معین، بیش از یک طرح و برنامه می توان ارائه داد. مثلاً برای ساختن یک منزل مسکونی در زمینی مشخص، بر اساس سلیقه های مختلف، نقشه های متعددی می توان کشید. هیچ یک از این نقشه ها ترجیح قطعی بر دیگری ندارد و همه، زیبا و کامل طراحی شده اند. کامل بودن نقشه ها در این است که:

۱. همه اجزای لازم برای یک واحد مسکونی در آن ها یافت شود.

۲. نسبت میان اجزا به طور تقریبی محفوظ ماند.

وجود «حمام» در منازل مسکونی ضروری است و نبودن آن نوعی کاستی در طراحی نقشه به شمار می رود. مساحت آن هم به طور تقریبی روشن است. مثلاً نباید از اتاق پذیرایی و حیاط، بزرگ تر یا از یک متر مربع کوچک تر باشد. با این اطلاعات می توان حمام را

در هر گوشه زمین پیش بینی کرد، به شرطی که در ترکیب کلی، تناسب ها برهم نخورد. در طراحی اندام انسان، وجود همه اعضا ضروری است. نبودن هریک از اندام ها نوعی معلولیت است. اندازه چشم و گوش و دهان، فواصل میان اعضا و نسبت های کلی هم، به طور تقریبی رعایت شده است. کم و زیاد شدن این اندازه ها تا حدودی امکان پذیر است و موجب اختلاف شکل انسان ها می شود. اما اگر این اندازه ها و نسبت ها یک باره برهم خورد، آن چه به دست می آید، پدیده دهشتناکی است!

برنامه زندگی طلبه هم عناصری ضروری دارد که با نسبت های تقریباً مشخصی باید در کنار هم قرار داده شوند.

نبودن هریک از آن عناصر یا برهم خوردن شدید نسبت ها، طرح نهایی را غیرقابل تحمل و ناقص می نماید، گرچه کم و زیاد شدن اندک اندازه ها و نسبت ها، دست ما را برای طراحی های مختلف و نتایج متفاوت باز می گذارد. به بیان دیگر تشخیص اولویت ها در طراحی نمای کلی برنامه -باتوجه به اهداف و انتظارات- امکان پذیر است. ولی این بدان معنی نیست که برای رسیدن به هدف تنها یک طرح بتوان ارائه داد و جایگاه قطعی مشخص یا اندازه واحدی برای هر فعالیت بتوان تعریف کرد. این گونه نیست که برای هر لحظه، تنها یک برنامه مفید پیش روی ما باشد و تخلف از آن، نظام برنامه ما را به کلی به هم ریزد!

نوعی قابلیت انعطاف و جابجایی در برنامه متناسب با سلیقه های مختلف وجود دارد که شرط اعمال آن پاسداری از تمام عناصر و حفظ اندازه ها و نسبت های کلی است. این سؤال که «الان چه کنم؟»، «جمعه این هفته چه برنامه ای داشته باشم؟»،

«تابستان امسال را چگونه بگذرانم؟» از بنیاد، سؤال ناتمامی است و هیچ کس نمی تواند به آن پاسخ بگوید، مگر آنکه طرح کلی حاکم بر برنامه را برای او مشخص کنیم. این پرسش شبیه آن است که قبل از مشخص کردن کاربری زمین و طراحی نقشه کلی آن پیرسیم، این گوشه زمین را به چه چیز باید اختصاص داد؟ «این گوشه زمین» هویتی مستقل از کل زمین ندارد، که بدون در نظر گرفتن کل، تکلیف آن معین شود. سلیقه طراح ساختمان، پس از در نظر گرفتن فضای کل زمین جایگاه خاصی برای هر یک از اتاق ها، آشپزخانه، هال و... تعیین می کند. «برنامه ریزی» هنر حفظ اولویت ها و اهمیت ها در سطح کلی و ترجیح سلیقه مند یکی از امور بر دیگری در سطح جزئی است. (۱)

ص: ۲۴

۱- یکی از ناآرامی های درونی ما، مشاهده اختلاف یا تضاد الگوها است. شخصیت های بزرگ حوزه در نگاه ظاهر، برنامه زندگی متفاوتی داشته اند به همین جهت تبدیل به شخصیت های متفاوتی با حساسیت ها و توانایی های دیگرگون و آثار وجودی مختلف شده اند. از میان این همه کدام یک را باید الگوی عمل خود بدانیم؟ از لابه لای مباحث گذشته می توان دریافت که: الف. زمینه های اولیه ای که فراروی این بزرگان بوده، تنوع فراوانی داشته است. امکانات مالی، شرایط خانوادگی، هوش و استعداد و توانایی های ذاتی، تربیت محیطی و حساسیت تاریخی، هر یک، از مقدرات انسان و خارج از حوزه اختیار او است. این بهره های وجودی در برنامه ریزی تأثیر فراوانی دارد. وجه مشترک همه این بزرگان، استفاده بهینه از سرمایه ها و دارایی های خدادادی است. ب. بر فرض تساوی کامل در بهره های وجودی، سلیقه برنامه ریزی هر یک ممکن است متفاوت باشد. دو اصل جامعیت و توازن شاه کلید گشودن این معما است. هر یک از این بزرگان بر اساس سلیقه و تشخیص خود اگر برنامه ای واجد همه اصول و شرایط، ریخته و به خوبی به آن ملتزم باشد، در پیشگاه خدا و وجدان خویش محکوم نیست، هر چند محصول نهایی این طراحی متفاوت از دیگران باشد. همین دو اصل که بر برنامه فعالیت های انسان حکومت می کند، در صفات شخصیتی نیز جاری است. فضایل انسانی، مراتب طولی بسیاری دارد. داشتن حد نصاب آن فضایل، لازم و کسب بیشتر از آن فضل است. هر انسانی برای رشد اخلاقی خود باید حد نصاب سخاوت، شجاعت، ایثار، زهد، نظم، حضور اجتماعی و... را داشته باشد. شمایل نهایی انسان های متخلق، حاصل ترکیب مراتب مختلف این صفات با یکدیگر است که چون خانه خالی نداشته و از حد نصاب نیز پایین تر نیست، مورد اعتراض قرار نمی گیرد و صد در صد محترم است. اما ممکن است در ترکیب نهایی، شخصیت یکی، مطلوب تر از دیگران شده باشد. الگوی عمل ما طبیعتاً کامل ترین و سلیقه مندترین ترکیب خواهد بود، چه آن ترکیب در وجود یک شخص، متمثل و مجسم شده باشد و چه آمیخته ای از چند شخصیت باشد. توجه به رسالت اجتماعی از خانه های لازم جدول وجود انسان است که باید به آن عنایت ویژه ای شده باشد. اما انتخاب موضوع و نوع اجرای آن بسته به نگاه و دیدگاه افراد، متفاوت است. یکی، حرکت سیاسی اجتماعی را در دستور کار خود قرار می دهد، دیگری خروش علمی فرهنگی، و سومی فعالیت تہذیبی و تربیتی. و هر سه به جای خود مآجور و محترم اند. اختلاف فعالیت امامان شیعه در شرایط مختلف، مشابه همین توجیه را دارد. در مبحث فعالیت های فرهنگی به این بحث پرداخته ایم. ج. مشاهده برنامه زندگی این بزرگان و مقایسه آن ها بینش ما را در تدبیر حرکت آینده بسیار بالا می برد. مثل مشاهده نقشه های مختلف ساختمان ها که در طراحی نقشه یک زمین بسیار ایده بخش است. هر چند تعبد و الزامی به پیروی صددرصد از یکی از آن ها نیست. به همین جهت مطالعه زندگی و سرگذشت بزرگان همیشه قابل توصیه است. د.

بعضی از بزرگان در شرایط تربیتی ویژه خود، پاره ای از ضرورت ها را درک نکرده، یا درک کرده ولی مقذورشان نبوده است و این عدم آشنایی نه از سر تقصیر، که قصور و ناتوانی طبیعی بوده است. مثلاً ممکن است ضرورت توجه به ورزش یا تغذیه مناسب، برای آنان روشن نبوده یا امکانات مالی و محیطی اجازه اقدام کامل را نمی داده است. در این فرض، عجز یا جهل، عذر موجهی برای آن ها بوده و تکلیف را از آنان ساقط کرده است، اما ما که در شرایط بهتری قرار گرفته ایم نه تکلیفمان ساقط است و نه عذرمان موجه.

اجرای عملی این اصول، این گونه صورت می پذیرد: هر گاه متوجه ضرورت یک فعالیت شدیم، تلاش کنیم بی درنگ آن را در مجموع فعالیت های خود بگنجانیم. در ابتدا ابعاد اهمیت آن فعالیت در مقایسه با امور دیگر برای ما به خوبی معلوم نیست. اما دو سر طیف حداقل و حداکثر آن که محدوده اختیار ما را تشکیل می دهد کاملاً روشن است و به یقین می دانیم که کمتر از این مقدار و بیشتر از آن مقدار، برای ما لازم یا مقدور نیست. مثلاً ورزش، روزانه حداقل یک ربع ساعت برای ما ضروری و بیش از یک ساعت نیز برای ما مقدور نیست. این طیف که دایره تردید ما را تشکیل می دهد، اجماًلاً برای ما وظیفه و مسئولیت می آفریند. اگر مقدار کمتر را در دستور کار خود قرار دهیم و به آن التزام عملی داشته باشیم، آرام آرام تجربه و بصیرت بیشتری فراهم می آید و اندازه ضرورت آن کار معلوم می شود. ولی اگر به بهانه ناآگاهی از حدود دقیق اهمیت یک کار، به کلی آن را رها کنیم، هیچ وقت تردید و ابهام، ما را رها نخواهد کرد. تشخیص نسبت ها و اولویت ها، در ابتدای راه تنها در حدود کلی و اجمالی امکان پذیر است؛ ولی پس از حرکت و عمل، به جزئیات هم سرایت می کند و دایره ابهام و ناآگاهی را به مرور کوچک می گرداند.

اصل سوم: تنوع

با توجه به این که رشد انسان در ابعاد مختلف به نحو تدریجی و در طول زمان رخ می دهد، لازم است سیمای کلی برنامه، در زمان طولانی از عناصر اصلی خالی نماند. نباید یکی از فعالیت های اصلی را در برهه ای طولانی از زمان تعطیل کرد؛ زیرا ارتباط مستمر با آن

فعالیت - هر چند کوتاه و اندک - امید تأثیر بیشتری دارد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«قَلِيلٌ مَدْوَمٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ» (۱)

اندکی که بر آن مداومت شود، بهتر از فراوانی است که از آن دلزدگی و ملالت خاطر حاصل گردد».

غذا خوردن و تأمین نیاز جسمی یکی از برنامه های اصلی است و برای مدت زمان طولانی نباید از آن غفلت شود، گرچه کمیت و کیفیت آن در شرایط گوناگون - مثل ماه مبارک رمضان - تغییر می کند. عبادت، ورزش، فعالیت علمی و روابط اجتماعی نیز همین گونه است. به همین ملاک نباید برنامه ورزشی را فقط به تابستان اختصاص داد. نمی توان روابط اجتماعی را در طول سال های تحصیل به کلی قطع کرد و امید داشت که پس از فراغت از کار درازمدت تحصیل، کسب توانمندی های لازم در روابط اجتماعی از صفر آغاز شود. اهمیت یکی از ابعاد حیات انسان، بهانه موجهی برای خاموش کردن چراغ ابعاد دیگر نیست.

البته «توجه ویژه» به یکی از فعالیت ها در شرایط خاص، کاملاً لازم و معقول است؛ پررنگ کردن کار علمی در ایام امتحان، تقویت برنامه عبادی در شب های جمعه و ماه رمضان و اهمیت بیشتر به ورزش و تفریح در تابستان به منزله شتاب دادن «دفعی» ولی «موقت» به متحرکی است که آهسته و پیوسته در حال حرکت بوده است.

آنچه در اصل «جامعیت» گفته شد ناظر به کل زمینه

ص: ۲۷

برنامه ریزی بود. مثلاً کل دایره عمر را نباید خالی از فعالیت های اجتماعی قرار داد. اما بر اساس اصل «تنوع» لازم است این فعالیت اجتماعی در زمان متناوب و به صورت مستمر تقسیم و توزیع شود، نه این که تنها به نیمه دوم عمر اختصاص یابد. تناوب برنامه، بسته به اهمیت آن، روزانه، هفتگی، ماهیانه یا سالانه قابل پیش بینی است. تعطیل کامل یک فعالیت و به هم خوردن سیکل منظم آن در شرایط اضطراری استثنا است و نباید قاعده شود.

اگر همه نیازهای شخص در برنامه، به صورت جامع و متنوع تدارک دیده نشود، توجه یکباره او به یک خلأ، مسیر زندگیش را تغییر داده و او را دچار افراط و تفریط و عدم توازن می کند. هنگامی که شخص، شکاف عظیمی در مجموع فعالیت ها یا توانایی های خود مشاهده نماید، «احساس خسارت» می کند و برای پرکردن این شکاف، نظام فعالیت های خود را برهم می زند و از جاده تعادل خارج می شود.

اصل چهارم: برخورداری از نگاه کلی

برای برنامه ریزی لازم است مجموع زمینه فعالیت، در نظر گرفته شود. برنامه ریزی برای «امروز» بدون در نظر گرفتن کل عمر چندان نتیجه بخش نیست. وظیفه امروز ما بریده از کل عمر تعریف نمی شود و قابل تشخیص نیست.

گوشه یک زمین می تواند مکانی برای احداث پارکینگ، اتاق خواب یا سرویس باشد. این که کدام یک از این ها نهایتاً در این مکان قرار داده شود، مشروط به در نظر گرفتن طرح کلی ساختمان است. در لحظه عمل نباید برای همان لحظه برنامه ریزی کرد.

هر زمان برای چندین نوع فعالیت لازم و مفید قابلیت دارد و آنچه که وظیفه نهایی این زمان را مشخص می کند، نگاه کلی به مجموع حوزه اختیار، و برنامه ریزی هماهنگ و متوازن برای آن است.

اصل پنجم: زمانمندی

در برنامه ریزی جزئی حتماً باید «ابتدا» و «انتها»ی زمان هر فعالیت را مشخص کرد. تعیین زمان ابتدای عمل به آن جهت است که اراده به امر «کلی» تعلق نمی گیرد. یعنی تصمیمی که انسان بر انجام کاری می گیرد، تنها به این شرط عملی می شود که بر یک امر مشخص «جزئی» متمرکز شود. مثلاً این تصمیم که فلان کتاب را در «آینده» خواهم خواند، امری کلی است و قابلیت پذیرش اراده را ندارد مگر آنکه یکی از افراد بی شمار آینده، مشخص شود. مثلاً بگوییم «روز جمعه پس از نماز صبح» یا «بلافاصله پس از رسیدن به خانه» این کتاب را می خوانم. یکی از شواهد مهم این مسئله این است که انسان معمولاً هر کاری را در آخرین فرصت ممکن آغاز می کند. زیرا تا پیش از رسیدن به آخرین زمان، مصادیق فراوانی در معرض اراده او قرار گرفته، ولی در لحظه آخر فقط یک گزینه برای انتخاب باقی است. «بعداً انجام میدهم» از نظر عملی با «هرگز انجام نمی دهم» معادل است. زیرا «بعداً» مصادیق زیادی دارد و تا هنگامی که کلی است، اراده به آن تعلق نمی گیرد. از این رو لازم است برای انجام هر کاری یک مصداق مشخص آن را در نظر بگیریم و ابتدای آن را به صورت جزئی معین کنیم.

تعیین زمان انتهای عمل (یعنی زمان نتیجه بخشی کامل آن فعالیت) هم ضرورت دارد. زیرا انسان اگر زمان پیش روی خود را

بی کران یا وسیع انگارد، انگیزه ای برای تلاش ندارد. هرگاه فرصت انسان برای انجام عملی محدود باشد، اوقات رهایی او کمتر می شود و با فعال کردن ظرفیت بالایی از توان خود، بهره بیشتری از زمان می گیرد. توان انسان همیشه بسیار بیشتر از آن است که تصور می کند. آدمی هرگاه خود را آزاد می بیند، به حداقل زحمت و حرکت اکتفا می کند. اما در تنگناها و محدودیت ها چنان فعالیت می کند که خود از نیروی عظیم خویش درشکفت می ماند. انسان در شرایط عادی بیش از چند کیلومتر نمی تواند بدود. اما در هنگامه احساس خطر یا به جهت فرار از مواجهه با دشمن، ساعت ها با سرعت و بدون احساس خستگی راه طی می کند.

البته دائماً نمی توان در حال دویدن بود. اما می توان توقف ها و سستی ها را به حداقل رساند. از این قاعده در برنامه ریزی استفاده کنیم؛ اگر خود را به اتمام عمل در فرصت پیش بینی شده ملزم سازیم، همین التزام عملی به منزله نیروی قاهری است که ما را به تلاش و فعالیت بیشتر وادار می کند. اما اگر همیشه با ارفاق و مدارا فرصت پهناوری پیش روی خود ترسیم کنیم، بخش عمده ای از وقت ما به رهایی و بطالت تباه می گردد. به همین جهت برخی از بزرگان حداکثر زمان فعالیت علمی برای یک درس در شرایط معمولی را (با طی تمام مراحل پیش مطالعه، درس، مطالعه، مباحثه، و نگارش بحث) سه ساعت پیشنهاد می کنند.

برای تخمین زمان پایان عمل لازم است از ابتدا، مجموع فعالیت، به خوبی ملاحظه و مرحله بندی شود. مثلاً در تحصیل یک متن، شمار تقریبی جلسات، محاسبه -و با کمک یک سالنامه- بر روزهای تحصیلی توزیع گردد.

در تهیه برنامه جزئی، باید همه خانه های برنامه را پر کرد. برنامه که به نقشه ساختمان می ماند باید کل زمینه را پوشش دهد. لحظاتی که به بیهودگی و لغو می گذرد، خانه های خالی برنامه است که باید آن ها را به صفر نزدیک کرد. زندگی یک مؤمن، گنجایش سرگرمی های بیهوده را ندارد. زیرا این گونه سرگرمی ها سرمایه عمر و نیروی ما را از ما می ستاند و در مقابل، بهره درخوری نمی رساند. (۱)

مکتب اسلام، انسان مؤمن را از ورزش، تفریح، استراحت و شادی پرهیز نمی دهد. اما از «لغو» منع می کند. پرداختن به فعالیتی که به حال دنیا و آخرت انسان سودمند نیست ممنوع است حتی اگر علم آموزی باشد.

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ؛ (۲) خدایا به تو پناه می آورم از دانشی که سودمند نباشد».

ورزش و تفریح هم اگر هدفمند و از روی حکمت در فهرست فعالیت های انسان قرار گیرد، لغو نیست. اما اگر از مقدمیت خارج شود و سراسر فضای برنامه را اشغال کند بدون تردید مطلوب نیست.

قدم زدن در پارک، حل جدول روزنامه، بازی های کامپیوتری، استماع نوار آهنگ، فوتبال، فیلم سینمایی، مطالعه صفحه حوادث روزنامه، تخمه شکستن، لطیفه گویی، تماشای مسابقات ورزشی،

ص: ۳۱

۱- . «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ... الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ». مؤمنون، آیات ۱ و ۳. «إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمَشْغُولُونَ عَنِ اللَّعِبِ». خصال شیخ صدوق، ج ۱، ص ۲۶.

۲- . میزان الحکمه، حدیث ۱۴۰۰۵؛ مفاتیح الجنان، دعای تعقیب نماز عصر.

قدم زدن در بازار، آواز خواندن، گردش در اینترنت و... گرچه ممکن است هریک به تنهایی از نظر شرعی جایز باشد، اما اگر یک جوان مؤمن، صبح روز خود را با این فعالیت ها شام گرداند، زندگی او قطعاً مورد رضایت دین نیست.

انسان های موفق -در رشته های مختلف- کسانی بوده اند که بر روی دسته ای از لذت ها و خوشی های خود پای گذاشته و حاضر شدند تن به تلاش و زحمت دهند. شاگرد اول های کلاس، دانش آموزانی هستند که لحظات بازی دیگران، ساعات مطالعه آن ها بوده است؛ گرچه از ورزش و بازی هم در مواقع مشخص استقبال می کرده اند. بی شک بدون چشم پوشی از لذت ها و خواهش های دل، موفقیت امکان پذیر نیست.

ممکن است برای ما دقیقاً معلوم نباشد که چه برنامه ای برای ما بیشترین بازدهی را به ارمغان می آورد. اما قطعاً این مقدار معلوم است که نباید عمر خود را به بطالت گذرانیم. نباید لحظات زمان را در کمتر از قابلیت خود به کار گیریم. مثلاً ساعت ۹ صبح که اوج هوشیاری و نشاط فکری ما به شمار می رود، مطالعه داستان یا شعر، استفاده بهینه نیست. درحالی که همین برنامه در ساعات خستگی، نشاط بخش و مقرون به صرفه است.

در میان ما کسانی هستند که از هر پیشنهادی به روی خوش استقبال می کنند و هیچ وقت، عذر یا مانعی برای مشارکت ندارند. اگر پیشنهاد رفتن به کوه، پارک، ورزشگاه، یا سرزدن به رفقا و حضور در جلسات و... به آن ها شود بی درنگ اعلام آمادگی می کنند. این افراد از نعمت هدفمندی و برنامه محروماند و ره به جایی نمی برند هرچند به ظاهر زندگی خوشی دارند.

اصل هفتم: استحکام (اعتقاد به برنامه)

انسان باید به فعالیت جاری خود ایمان و اعتقاد داشته باشد.

اگر ایمان راسخ به برنامه وجود نداشته باشد در انجام آن سستی می شود. اندک مخالفت یا خرده مانعی به راحتی جریان برنامه را مختل می سازد و آدمی را از ادامه آن باز می دارد. کار کوچکی که با ایمان و استحکام انجام پذیرد، به مراتب امیدوار کننده تر از تلاش فراوانی است که این پشتوانه را نداشته باشد. از این رو لازم است به جای پرکردن بی پشتوانه برنامه، ابتدا اعتماد و اعتقاد خود را به آن بازسازی کنیم و منطق مستحکمی برای آن بیابیم، آن گاه به تکمیل آن روی آوریم. تردید و تزلزل نسبت به فعالیت جاری موجب می شود انسان همیشه از خود گلاویه مند و ناراضی باشد. این اعتراض دائم روحی باعث می شود شخص، اهتمام لازم را در انجام وظایف خود به کار نگیرد. در نتیجه، فرآورده های عمل او همیشه سست و تُنک و نیمدار عرضه شود. یعنی عدم استحکام برنامه، به عدم استحکام عمل تبدیل می گردد. استمرار چنین حالت روحی به مرور بنیان همت آدمی را ویران می کند.

توان برنامه ریزی

تدبیر، دوراندیشی، تسلط بر قواعد برنامه ریزی و تشخیص وظیفه، نوعی توانایی و ملکه است و مانند دیگر ملکات نیازمند مداومت و تمرین فراوان است. این توانمندی مثل همه توانمندی ها، یکباره حاصل نمی شود و محتاج گذشت زمان است. پیدایش این توان برای انسان در ابتدا، سخت به نظر می رسد. اما به مرور و با طی تجارب متعدّد، آسان و هموار می گردد. برنامه ریزی

گرچه در ابتدا ممکن است با شکست همراه باشد اما با مطالعه، مشاوره و تفکر می توان اُفت وخیزها و اشتباهات را به حداقل رساند.

در عین حال ناتوانی ها و ناکامی ها نباید موجب دل سردی شده و ما را از استقامت در به دست آوردن این ملکه باز

دارد. همان طور که بر اثر تکرار و مداومت در برنامه ریزی، روح تدبیر و هنر مدیریت، اندک اندک حاصل می شود، در صورت بی توجهی و مسامحه، ملکه روزمرگی، سهل انگاری، بی دقتی و بی مبالاتی در وجود ما شکل می گیرد. آن کس که از ابتدای جوانی، در صدد تدبیر امور خرد و کلان زندگی بر نیاید، علاوه بر ازدست دادن سرمایه ها دچار روح و ذهنی آشفته می شود که اصلاح آن در سن بالا بسیار دشوار است. و این خطر بزرگ سستی و تنبلی است. شخصیتی که در مسندی مهم قرار گرفته و مسئولیتی سنگین بر عهده دارد ولی در انجام آن تدبیر و مدیریت لازم را به کار نمی گیرد، در ایام جوانی تن به این تمرین نداده است.

برای به دست آوردن توان برنامه ریزی بسیار مناسب است با چهره های موفق ارتباط مستمر داشته باشیم و گونه های مختلف برنامه ریزی را بررسی کنیم. طلبه گرچه در آغاز با مشاهده این برنامه ها که برخی عملاً در معاشرت با فرزندان به دست آمده است به اجرای مو به مو و «اقتباس» رو می آورد اما به مرور قدرت «ترکیب» ویژگی های مثبت برنامه ها را به دست می آورد و به «خودشکوفایی» در برنامه ریزی می رسد. (۱)

ص: ۳۴

۱- «مشاهده»ی گونه های متعدد یک فراورده انسانی در «جذب» و ویژگی های آن تأثیر مستقیم دارد. دانشجویان رشته معماری مجموعه هایی در اختیار دارند که در آن تصویر زیباترین ساختمان های جهان، در ترکیب با جلوه های طبیعت گرد آمده است. آنان موظفند در هر هفته یکی دو طرح از این مجموعه ها را انتخاب و بر روی کاغذ رسم نمایند. مشاهده دقیق این تصاویر، دانشجویان را با انواع زیبایی هایی که در ساختن این آثار به کار گرفته شده، آشنا می کند. ترسیم این تصاویر بر روی کاغذ سرعت مشاهده را کند و دقت مشاهده را افزون می کند. بر اثر مشاهده دقیق یک اثر، ظرافت آن در وجود شخص، نقش می بندد و او را آماده می کند تا در هنگام طراحی، از آن الگو گرفته و آن را در شرایط دیگری «اقتباس» نماید. اگر این مشاهده دقیق در طرح ها و گونه های متعدد تکرار شود، دانشجویان به مرحله ای می رسد که می تواند با «ترکیب» این زیبایی ها اثر تازه ای ارائه دهد که جلوه های بدیع چند طرح را یکجا جمع کرده باشد. پس از تمرین و ممارست، در مرحله دیگر، شخص «خلاصیت» می یابد. یعنی می تواند اثری در اوج دقت، ظرافت و زیبایی ارائه دهد که مشابه آن را ندیده یا مشابهی برای آن یافت نمی شود. مشاهده دقیق ← جذب ← اقتباس ← تکرار و تنوع مشاهده ← جذب ← اقتباس ← ترکیب ← خلاصیت دانشجویان رشته کارگردانی موظفند در هر هفته یکی دو فیلم از آثار برتر بزرگان این حرفه را «مشاهده» کنند. این مشاهده هر چقدر دقیق تر انجام گیرد در انتقال فن فیلم سازی و ظرافت های آن به ساختار ذهنی آن ها بیشتر تأثیر دارد (جذب). از تکرار مشاهده، دانشجویان قدرت می یابد که تکنیک های آموخته را در فضاهای مشابه، «اقتباس» یا «ترکیب» کند یا به مرور، به «خلاصیت» دست یابد. نوآموزان قرائت قرآن برای بهبود کیفیت صوت و لحن خود به استماع مکرر تلاوت های

ممتاز توصیه می شوند. این «استماع مکرر» موجب «جذب» سریع سبک قرائت و قدرت «اقتباس» آن می شود. این شخص با استماع تلاوت های متنوع می تواند سبک های گوناگون را در هم آمیزد و معجون بدیعی از «ترکیب» آن ها فراهم آورد یا پس از چندی ممارست و تمرین «سبک تازه ای» بیافریند. ذاکران اهل بیت و مداحان موفق نیز همین مسیر را طی می کنند. بر این اساس، کسانی که می خواهند توان نویسندگی را در خود تقویت نمایند از مطالعه آثار بزرگان این رشته و ارتباط فراوان با متون برگزیده ادبی بی نیاز نیستند. این ارتباط گرچه در ابتدا به اقتباس سبک آنان می انجامد ولی به مرور در سطح ترکیب و خلاقیت می نشیند. شاعران و سرایندگان موفق هم به همین ترتیب در هنر خویش پیش رفته اند. سخن وری نیز چنین است. در معاشرت متوالی با خطبای نامور یا استماع مکرر نوار سخنرانی آن ها و دقت در عوامل موفقیت هریک می توان سبک و لحن و هنر آن ها را «جذب»، «اقتباس» و «ترکیب» نمود. اگر این مراحل به خوبی طی شود به «آفرینش» سبک جدید در این رشته می انجامد. فن کلاس داری و تسلط بر روش تدریس هم همین گونه است. و خلاصه در همه حرفه ها و صنایع، معاشرت با چهره های ممتاز و آثار برجسته این گونه بر وجود ما اثر می گذارد. قرار گرفتن در سطوح عالی تجارب بشری، فعالیت ذهنی و توان فنی ما را می افزایشد، توقع ما را از خود بالا می برد و ما را در ارائه اثر جدید سخت گیرتر و دقیق تر می سازد و از احساس استغنا و قناعت به توان موجود جلوگیری می کند. طلبه که وظیفه علمی، تربیتی و فرهنگی برعهده دارد در معاشرت فکری با علمای بزرگ و سر و کار داشتن با نظریه های برتر، توان علمی خود را بالا می برد. همین انس و مداومت در ارتباط با صاحب نظران، به «جذب» و «اقتباس» و «ترکیب» روش علمی، سبک تحلیل و شیوه ارائه بحث آن ها منتهی می شود. و ممکن است به «خلق» نظریات جدید بینجامد. در ارائه انواع فعالیت های تربیتی و فرهنگی هم طلبه از مشاهده اثر شخصیت ها و مراکز موفق بی نیاز نیست. این مقدمه طولانی - که خود نمونه مشاهده مکرر تطبیق یک قاعده بر مصادیق مختلف آن بود- در فصول آینده این دفتر، ارائه برنامه را برای طلبه موجه می سازد.

بررسی طرح‌ها و مدل‌های مختلف یک اثر، قدرت تشخیص انسان را بالاتر می‌برد و ما را در مقایسه و انتخاب مطلوب، موفق‌تر می‌گرداند. همان‌طور که برای تهیه یک لباس ساعت‌ها وقت می‌گذاریم و طرح‌ها و الگوهای مختلف را بررسی می‌کنیم در برنامه ریزی هم سزاوار است پس از بررسی دقیق الگوها به ترجیح نسبی یکی یا ترکیب شایسته‌ای از آن‌ها روی آوریم.

ص: ۳۶

۱. اگر در همه برنامه های زندگی، تردید روا باشد، در این یک گزاره، شک و شبهه ای راه ندارد که ما وظیفه داریم برای تشخیص وظایف خود اقدام کنیم. آگاهی از وظایف، اولین، محکم ترین و قطعی ترین وظیفه ما است که همه تکالیف بعدی را پشتیبانی می کند و سنگ بنای اولیه حرکت قرار می گیرد.

۲. «تشخیص وظیفه» و «مدیریت خود» نیازمند:

الف. تلاش، ب. آگاهی وسیع، ج. صرف زمان است.

الف. انتظار برای کشف بهترین دستورالعمل زندگی بدون تلاش و زحمت، همان قدر نامعقول و بی نتیجه است که توقع باز شدن درهای رحمت و فرود مائده آسمانی بدون کوشش و مشقت. خدای بزرگ، بدون اسباب و وسایل، امور جهان را اداره نمی کند. پس برای رسیدن به چنین نعمت ارزشمندی بکوشیم و سرمایه گذاری کنیم. بی جهت منتظر «رؤیا»، «الهام»، «مکاشفه» یا «مواجهه تصادفی با استادی خبیر» نباشیم و یا به راه های ساده ای چون «قرعه»، «تفال» و «استخاره» پناه نیاوریم.

ب. بسیاری از تصمیم های نسنجیده ما انسان ها که پشیمانی و حسرت به دنبال می آورد، ریشه در جهل و ناآگاهی ما دارد، دایره آشنایی و اطلاع ما از حقایق تلخ یا شیرین، هر چه گسترده تر باشد، برنامه ریزی ما به صواب نزدیک تر می شود. هر چه دانش و آگاهی وسیع تری برنامه را پشتیبانی کند، آن برنامه، کامل تر و مطلوب تر است. از این جهت لازم است قبل از برنامه ریزی آگاهی دیگران را هم به آگاهی محدود خود پیوند دهیم. مطالعه، مشاوره، مشاهده برنامه دیگران و معاشرت با شخصیت های موفق، این فایده را برای

ما خواهد داشت.

ج. آن تلاش و مجاهدت و این تحصیل دانش، بدون هزینه «زمان» امکان پذیر نیست. باید وقت مناسبی از برنامه خود را به این مهم اختصاص دهیم. همه ما برای دانستن احکام شرعی و وظایف عام مسلمانی با صرف زمان قابل توجه، به رساله توضیح المسائل مراجعه می کنیم و برای فهم آن فردی یا گروهی - تلاش می کنیم. در مواردی هم به استفاده مستقیم از اهل علم یا استفتا از مراجع تقلید احساس نیاز می کنیم و به آن همت می ورزیم. همین کوشش و همت را در اندازه ای گسترده، برای یافتن مسیر زندگی باید به کار گرفت. باید برای رسیدن به فواید تدبیر، سرمایه زمان و توان خود را به کار گیریم و بدانیم صرف این مقدار زمان و توان قبل از عمل، بازده نهایی عمل ما را به مراتب بیشتر خواهد نمود. اگر این مقدار نیروی فکری و زمان را صرف تنظیم «برنامه» نکنیم لاجرم چندین برابر آن را باید به تاوان «بی برنامه‌گی» پردازیم.

۳. ناتوانی در اجرای برنامه گاهی به خاطر «نواقص» برنامه و عدم رعایت قواعد برنامه ریزی است و گاهی به «سستی و تنبلی» بازگشت دارد. این نوشته قدم اول در رفع نواقص برنامه به شمار می رود. پس از آن باید به مبارزه با سستی و تنبلی پرداخت. نباید تمام عمر ما به برنامه ریزی بگذرد. پس از رسیدن به نتیجه باید اقدام و عمل را آغاز نمود. (۱)

ص: ۳۸

۱- «عجله» که در فرهنگ اخلاقی اسلام سخت مذمت شده، مربوط به قبل از تلاش برای یافتن راه صحیح است. تصمیم و اقدام، بدون پشتوانه فکری موجب لغزش است. امام علی علیه السلام فرمودند: «الْعَجَلُ يُوْجِبُ الْعِثَارَ». (غررالحکم، حدیث ۴۳۲) شتاب کاری موجب لغزش است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله فرمودند: «الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ». (محاسن، ج ۱، ص ۲۱۵) شتاب کاری از (اخلاق) شیطان است. اما بعد از کشف راه درست و «خیر» باید در انجام عمل سرعت ورزید. >فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ< (بقره، آیه ۱۴۷؛ مائده، آیه ۴۸) در کارهای خیر سبقت بگیرید. >أُولَئِكَ يَسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ<. (مؤمنون، آیه ۶۱) امام باقر علیه السلام می فرمایند: «مَنْ هَمَّ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَيْرِ فَلْيَعْجَلْهُ». (الکافی، ج ۲، ص ۱۴۳) کسی که تصمیم بر کار خوبی می گیرد باید در آن شتاب کند. تا قبل از تشخیص «خوبی» یک فعالیت باید از انجام آن پرهیز کرد، اما پس از آن که «خیر» بودن آن احراز شد، جایی برای درنگ و توقف باقی نمی ماند. باید به سرعت در انجام آن کوشید. التزام عملی به تصمیماتی که گرفته ایم ملکه استقامت و اراده را در وجود ما تقویت و تصمیم گیری های آینده ما را بسامان می نماید.

۴. گاهی ناتوانی در اجرای برنامه، ما را نسبت به اصل برنامه ریزی دل سرد می سازد. به این بهانه که به برنامه عمل نمی کنیم، نباید برنامه ریزی و تدبیر را کنار بگذاریم. کسی که برنامه دارد هر چند صد در صد به آن عمل نکند، از کسی که برنامه ندارد موفق تر است.

برای هر هدف ریز یا درشتی، فکر کردن و برنامه داشتن، مطلوب است: برنامه ورزشی، برنامه عبادی، برنامه دیدار از خویشاوندان و دوستان، برنامه برای مسافرت های تابستانی، برنامه برای هزینه درآمد، یا تهیه مایحتاج، تعیین جایگاه برای لوازم منزل و

این برنامه ریزی و تدبیر، نتیجه کار را بیشتر و ضایعات و آسیب ها را کمتر می کند. البته مسائل کلان زندگی، اولویت بیشتری برای فکر و تدبیر دارند. در عین حال فکر کردن برای طراحی بهترین نقشه در برخی امور جزئی نیز علاوه بر افزایش قدرت تفکر و دقت

نظر، راه ما را به سوی اهداف کلان هموارتر می کند. غالباً فکر کردن در مسائل خرد مؤونه و تلاش زیادی نمی طلبد و مواد اولیه اش آماده و در دسترس است.

۶. تدبیر نباید به وسواس منتهی شود. گاهی دقت فراوان در جزئیات و عواقب یک کار مانع انجام آن می شود و هول و هراس بیجا ایجاد می کند. تدبیر، که ابزاری برای بهبود انجام کار است، نباید به اصل انجام کار آسیب رساند. احتیاط بیش از اندازه در اقدام، ما را از اصل اقدام محروم می کند و به همین جهت خلاف احتیاط است. گاهی لازم است دقت و ظرافت کار را کمتر در نظر گیریم تا آن فعالیت عملی شود و این خود عین تدبیر است. چنان که گفته اند سنگ بزرگ نشان نزدن است.

۷. چون وظایف ما در زمان ها، مکان ها و موقعیت های مختلف، متناسب با رخدادهای گوناگون و در موضوعات متنوع، متعدد است، وظیفه تشخیص وظیفه به یک مقطع خاص منحصر نمی شود. نمی توان «یکبار برای همیشه» برنامه ریزی کرد و تا پایان عمر به اجرای آن پرداخت. نمی توان همه رویدادها را قبل از وقوع پیش بینی کرد. گاهی پدید آمدن یک حادثه، ترکیب کلی وظایف ما را به هم می ریزد و سامان جدیدی می طلبد. آن حادثه ممکن است گرفتار شدن به مصیبتی، فراهم آمدن امکان جدیدی یا به دست آوردن اطلاع تازه ای یا هر چیز دیگری باشد. از این رو، تشخیص وظیفه، یک وظیفه تدریجی و متکرر است. مثلاً برنامه ای که برای فعالیت های پنج شنبه و جمعه طراحی نمودیم، پس از چند هفته تجربه و عمل، مستحق ارزیابی و بازنگری است. زیرا تجربه و آگاهی ما به مرور افزایش می یابد و شایسته است این آگاهی افزوده در

برنامه ریزی به کار گرفته شود.

۸. برنامه هر چه کلان تر و دوراندیشانه تر باشد مفیدتر است. فایده ای که از طراحی برنامه فعالیت های امروز یا این تابستان به دست می آید قابل مقایسه با فواید برنامه ۱۰ سال آینده یا کل عمر نیست. تدبیر و تفکر باید در کل دایره عمر به کار گرفته شود.

۹. ثبت مکتوب برنامه و پیاده کردن طرح فکری بر روی کاغذ این فواید را به دنبال دارد:

- افزایش تمرکز فکری، انسجام برنامه و تنظیم موفق آن.

- حفظ و جلوگیری از فراموشی.

- قابلیت مراجعه بعدی، ارزیابی و تجدید نظر.

- قابلیت انتقال به دیگران.

- افزایش ضمانت اجرا، التزام عملی (سند و پیمان مکتوب).

۱۰. برنامه تنظیم شده رویه اصلی و قاعده فعالیت های ما قرار می گیرد. باید برای همه فعالیت های خود -به مرور- قاعده قرار دهیم. مثلاً- نماز، پس از اذان در مسجد، ورزش، صبح ها نیم ساعت پس از نماز، حمام، هفته ای دو مرتبه روزهای دوشنبه و جمعه ساعت فلان، و... .

این قاعده در موارد خاصی قابل استثنا است؛ مواردی که «استثنا» نسبت به «اصل اولیه» حکمت افزون تر و فواید بیشتری داشته باشد. البته نباید موارد «استثنا» از خود «قاعده» بیشتر باشد (تخصیص اکثر نشود). اگر موارد استثنا خیلی زیاد باشد باید در اصل برنامه تردید و تجدید نظر کرد.

هیچ اصل و قاعده ای در برنامه زندگی یک مسلمان مطلق و استثناناپذیر نیست جز اصل «عبودیت» که سراسر حیات یک

مسلمان را بدون استثنا پوشش می دهد. مثلاً نظم یا مهرورزی قاعده زندگی است. اما اگر با عبودیت و روح بندگی خدا مغایر شود از این قاعده دست برمی داریم. وظایف مقطعی غیرقابل پیش بینی، برنامه جاری ما را در پرتو خویش تغییر می دهد. «بندگی» و انجام وظیفه الهی، اصل حاکم بر همه اصول زندگی است و در هیچ شرایطی استثنا نمی پذیرد.

۱۱. حالت های روحی انسان دائماً در انقلاب و تغییر است. قلب آدمی گاهی حوصله و طراوت انجام عمل را از دست می دهد و دچار کسالت و «ادبار» میگردد. در این موارد باید به واجبات و ضروریات برنامه اکتفا کرد و از ظرافت و دقت آن موقتاً صرف نظر نمود. در مقابل، مواردی را که نشاط و رغبت فراوان برای انجام عمل وجود دارد باید معتمن دانست. (۱)

ص: ۴۲

۱- . قَالَ عَلِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَاً وَ إِدْبَاراً فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمَلُوهَا عَلَى النَّوْفِلِ وَ إِذَا أُدْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ». (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲) برای دل ها اشتیاق و اعراض (آمادگی و ماندگی) است. پس هرگاه رو کرد آن را به انجام مستحبات و ادارید و هرگاه رو برگرداند به انجام واجبات اکتفا کنید.

طرح کلان فعالیت های طلبه

با بهره گیری از آموزه های پیشین اینک می توانیم به طراحی برنامه زندگی طلبه پردازیم.

فعالیت های هر انسان به دو بخش تقسیم می شود:

فعالیت های شخصی و فعالیت های صنفی. «فعالیت های شخصی» مجموعه کارهایی است که همه افراد به مقتضای انسان بودن موظف به انجام آن هستند و عنوان و صنف اجتماعی در آن تأثیری ندارد؛ عبادت، ورزش، بهداشت، رسیدگی به امور خانواده و خویشاوندان، امر به معروف و نهی از منکر، و ارتباط اجتماعی از این دسته هستند. بر عهده گرفتن بخشی از نیازهای جامعه و خدمت در یک صنف اجتماعی نیز وظیفه شخصی هر انسانی است.

پس از حضور در یک صنف خاص و پذیرش یک عنوان اجتماعی مسئولیت های تازه ای بر دوش انسان قرار می گیرد که برای انجام آن -در قبال بهره مندی از خدمات دیگران- حدود ۸ تا ۱۰ ساعت در شبانه روز باید وقت گذاشت. این مجموعه فعالیت ها، «فعالیت های صنفی» نام دارد. آن چه در تعطیلات رسمی کشور تعطیل می گردد،

همین فعالیت های صنفی است، و فعالیت های شخصی تعطیل بردار نیست.

یک پزشک، هر روز -به جز روزهای تعطیل- ۸ تا ۱۰ ساعت، موظف است در مطب یا بیمارستان به ارائه خدمات درمانی پردازد. یک راننده تاکسی، هر روز ۸ تا ۱۰ ساعت، درون اتومبیل بخشی از نیازهای جامعه را برآورده می سازد. کارمند، کارگر، معلم، کاسب و رئیس جمهور نیز...

طلبه هم به مقتضای قرار گرفتن در یک صنف اجتماعی موظف است در هر روز -به جز روزهای تعطیل رسمی- ۸ تا ۱۰ ساعت فعالیت طلبگی داشته باشد. در این قسمت، به بررسی فعالیت های صنفی حوزویان می پردازیم.

صفحات زندگی حوزویان

دوران زندگی یک حوزوی دو فراز مهم و دو صفحه دیگرگون دارد.

۱. دوره رشد و تحصیل

۲. دوره بازدهی و ثمربخشی

در فراز اول هویت اصلی طلبه، هویت «تحصیل» است. طلبه در این دوره، به بالابردن ظرفیت علمی و دیگر توانمندی های خود می پردازد و قابلیت های خود را فعال می کند. عمده فعالیت هایش ناظر به «خود» اوست و به هدف اعتلای سطح کمال «خودش» صورت می گیرد. عنوان «طلبه» به معنای طالب و پژوهنده کمال، گویای وجهه غالب و رنگ اصلی هویت او در همین دوره است.

در فراز دوم، او بیشتر به «استفاده» از این توانمندی ها و ارائه خدمات، به «جامعه» می پردازد. شخصیت اصلی او بیشتر در خدمت

ص: ۴۴

رفع نیازهای دینی، معنوی و علمی جامعه قرار می‌گیرد و از او انتظار ثمردهی می‌رود. در دوره اول، طلبه «متعلم علی سبیل النجاه» است و در دوره دوم به «عالم ربّانی» تغییر هویت داده است.

اگر کل زندگی طلبه را پس از آغاز فعالیت حوزوی ۶۰ سال فرض کنیم، این ۶۰ سال در تقسیم اولیه به یک دوره ۲۰ ساله و یک دوره ۴۰ ساله تقسیم می‌شود که رسالت‌های اجتماعی حوزه و کارآمدی طلبه عمدتاً مربوط به دوره دوم است. (۱)

نکته بسیار مهم این که انتقال یک فرد از دوره اول به دوره دوم به صورتیِ دفعی رخ نمی‌دهد. این دو دوره مرز ظریفِ خطی ندارند که گام نهادن به دوره دوم تنها در «یک لحظه» رخ دهد. بلکه این انتقال به صورتی تدریجی، آرام آرام و طی زمانی طولانی صورت می‌گیرد. بنابراین مرز میان این دو دوره، طیفی است نه خطی. طلبه هر سال که پیش‌تر می‌رود، غلظت فعالیت‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی در برنامه کاری او افزایش می‌یابد و از درجه حضور فعالیت‌های تحصیلی در برنامه او اندک‌اندک کاسته می‌شود. البته تحصیل علم هرگز از برنامه کاری طلبه حذف نمی‌شود. طلبه و بلکه هر انسانی موظف است از گهواره تا گور در جستجوی دانش باشد. اما میزان پرداختن به وظیفه دائمی دانش‌جویی در ادوار مختلف سنی متفاوت است.

از آن‌جا که مخاطب این قلم، نخستین صفحه دفتر زندگی حوزوی را گشوده و در آغاز راه قرار دارد، شایسته است که بحث را به دوره رشد و تحصیل، اختصاص دهیم.

ص: ۴۵

۱- ۲۰ سال تحصیل پرثمر برای طلاب مستعد و باانگیزه مطلوب است و در توان همه کس نیست. منطق این تقسیم‌بندی در مباحث آینده خواهد آمد.

طلبه در دوران رشد و تحصیل قرار دارد. (۱)

یعنی هویت طلبه در این دوره، هویت تحصیلی است و فعالیت صنفی ای که بر عهده دارد «تحصیل» است.

مراد از تحصیل در این عبارت فقط تحصیل رسمی حوزوی نیست. بلکه کسب هر گونه کمال و توانمندی از قبیل توان پژوهش، سخن وری، ارتباط اجتماعی، مدیریت و... جزء فرایند تحصیل است. گرچه درصد اهمیت و ضریب اعتبار این موارد تفاوت فراوان دارد. بر این اساس، عمده نیرو و وقت طلبه در طول سال باید در تحصیل و بالابردن توانمندی های شخصی هزینه شود.

«متن» برنامه طلبه به تحصیل و جمع آوری اختصاص دارد و «پیرامون» آن به ثمر بخشی، ارائه و بازدهی. برهم خوردن نسبت متن و حاشیه، خلاف مقتضای طلبگی و مغایر با وظیفه اصلی اوست. آن چه قطعی است اهمیت مضاعف متن نسبت به حاشیه است. یعنی حاشیه، از متن بیشتر نیست، مساوی آن هم نیست. بلکه از آن -به اندازه ای قابل توجه- کوچک تر است. با حفظ این اندازه کلی، تثبیت نهایی ابعاد متن و حاشیه بسته به سلیقه افراد، متفاوت است.

برای آن که منظور بحث روشن تر انتقال یابد کمی به زبان اعداد و ارقام سخن گوئیم. نسبت متن و حاشیه تقریباً نسبت چهار به یک است. یعنی اگر طلبه چهار پنجم وقت و نیروی خود را به تحصیل و

ص: ۴۶

۱- پس از گذر از دوره طلبگی و انتقال به دوره ثمربخشی، هویت جدیدی برای طلبه تعریف می شود که با توجه به آن، برنامه کاری دیگری برای او تنظیم خواهد شد.

یک پنجم آن را به فعالیت های فرهنگی و اجتماعی اختصاص دهد، اندام کلی برنامه او از تناسب خارج نشده است. از آنجا که طلبه در سال های نخست، توانایی درخوری برای فعالیت های جانبی ندارد، طبعاً این نسبت ها تغییر می کند (مثلاً یک دهم و نه دهم). اما بر فرض آمادگی کامل طلبه، برای انواع خدمات فرهنگی و احساس موفقیت او در انجام فعالیت های اجتماعی، هویت صنفی او بیش از این یک پنجم به او اجازه حاشیه پردازی نمی دهد. تحصیل دانش دین که زیربنای مفید برنامه طلبه به شمار می رود، نباید در کنار امور متفرقه - که به منزله حیات و فضای سبز ساختمان برنامه اوست - به قدری محدود شود که هنجار عمومی برنامه برهم خورد.

این یک پنجم کل زمینه، به صورت های مختلف قابل توزیع بر زمان است. مثلاً دو ماه و نیم از سال، یک روز در هفته یا دوساعت در روز، این یک پنجم را پوشش می دهد. (۱)

فعالیت شخصی: ۱۴ ساعت.

فعالیت صنفی: ۱۰ ساعت.

فعالیت تحصیلی: چهار پنجم از زمان فعالیت صنفی مثلاً ۸ ساعت در روز یا ۵ روز در هفته یا نه ماه و نیم از سال.

فعالیت فرهنگی: یک پنجم از زمان فعالیت صنفی مثلاً ۲ ساعت در روز یا ۱ روز در هفته یا دو ماه و نیم از سال.

ص: ۴۷

۱- . پس از اتمام دوره تحصیل، این نسبت ها عکس می شود. یعنی فعالیت تحصیلی یک پنجم و ثمردهی، چهار پنجم خواهد شد. به بیان دیگر دانش آموزی و مهارت افزایی تا پایان عمر نباید تعطیل شود. اما این وظیفه برای طلبه تمام هویت اوست و برای روحانی در دوره ثمردهی تنها در حاشیه کارهای او قرار می گیرد.

تحصیل حوزوی: چهار پنجم از زمان فعالیت تحصیلی.

تحصیل سایر امور: یک پنجم از زمان فعالیت تحصیلی.

بر خلاف تصور اولیه، آن چه از این پس خواهد آمد هدف اصلی تدوین این دفتر نیست. پیام مهم این دفتر در مباحث پیشین، به صورت کلی ارائه شده است. اکنون طلبه، با ضرب آموزه های دو فصل گذشته در هم - به تناسب روحیه و استعداد خویش - می تواند برای فعالیت های خود، برنامه ای تنظیم نماید. اما از آن جا که «ارائه مصداق»، در فهم عمیق قانون کلی سودمند است، نمونه ای از برنامه، عرضه خواهد شد تا تسلط کامل تری بر فرایند برنامه ریزی حاصل شود.

«مشاهده دقیق» این برنامه در «جذب» قواعد کلی گذشته بسیار تأثیر دارد. این مجموعه، مخاطب خویش را ماشین بی فکر و اراده ای که تنها منتظر ارائه برنامه عملی برای اجرا باشد نمی بیند. مخاطب این دفتر باید در نهایت، به طور مستقل برای خود برنامه ریزی کند و آن را در زندگی خویش به کار گیرد. آن چه در این فصل می آید دستورالعمل الزامی و طرح نهایی برای انواع استعدادها و روحیه ها نیست؛ بلکه طرحی پیشنهادی است برای متوسط طلاب که تلاش شده در آن مجموعه نیازهای یک طلبه متوسط در نظر گرفته و برای رفع آن تدبیری اندیشیده شود.

در برنامه آموزشی مراکز علمی (مدارس، دانشگاه ها، حوزه ها و...) مراعات حال استعدادهای متوسط و توده مخاطبین می شود. همیشه عده ای پایین تر و گروهی فراتر از سطح برنامه های آموزشی، گلایه از سنگینی یا سبکی آن برنامه دارند. اما اگر برنامه تهیه شده با وضعیت اکثر فراگیران و عمده مخاطبان تناسب داشته باشد موفق

است. برنامه ای که اینک در صدد ارائه آن هستیم، برنامه ای برای توده طلبه های مستعد و انگیزه مند، با توان متوسط است و در آن «اکثریت غالب» در نظر گرفته شده است. طبعاً دیگران با به کارگیری فرمول ها و قواعدی که در برنامه ریزی فراگرفته اند، جایگاه خود را خواهند یافت و برنامه ای متناسب با امکان و توان و استعداد خود برای خود ترسیم خواهند نمود. لازم به یادآوری است که در این برنامه، زمانی برای کارهای عقب مانده پیش بینی نشده است؛ زیرا اولاً عقب ماندگی ها ناشی از ضعف در «برنامه ریزی» یا ضعف در «عمل به برنامه» است که باید این عامل از بین برود. ثانیاً پیش بینی چنین زمانی توجیه مناسبی برای تلاش نکردن در وقت انجام عمل و عقب انداختن برنامه است. کسی که «فردا» برای جبران، زمانی در اختیار دارد، «امروز» وظایف خود را انجام نمی دهد و مبتلا به تسویف می شود. ثالثاً عقب افتادگی از برنامه، باید استثنا باشد. برنامه، تنظیم اصل و قاعده زندگی است، نه استثنای آن.

برنامه شبانه روز

این برنامه های ثابت را در طول دوره طلبگی برای شبانه روز می توان پیش بینی کرد.

خواب ۷ و نیم ساعت

ورزش و غذا

۳ ساعت

عبادت

۵ و نیم ساعت

مطالعه اخلاقی و تفکر

۱۵ تا ۳۰ دقیقه

آشنایی با مسائل سیاسی و اجتماعی روز، در حد مطالعه اهم اخبار یا استماع خبر رادیو ۱۵ تا ۳۰ دقیقه

ص: ۴۹

از ساعاتی که برای ورزش و غذا در نظر گرفته شده ۱۵ تا ۳۰ دقیقه برای ورزش و بقیه برای تهیه مواد اولیه، آماده سازی خوراک، پهن کردن و جمع کردن سفره و تناول غذا در نظر گرفته شده است که می توان بعضی از این مراحل را در فعالیت های دیگر ادغام نمود. مثلاً پس از بازگشت از مسجد، خرید مواد غذایی انجام گیرد و در حین آماده سازی غذا ارتباط با اعضای خانواده یا دوستان هم درس بیشتر شود و در هنگام خوردن غذا از خبر رسانه ها استفاده گردد.

ساعات عبادت هم شامل وضو، نماز، حضور در جماعت و مساجد، ۲۰ تا ۳۰ دقیقه خلوت شبانه، دعا، مناجات، استغفار، ذکر، نافله و... است.

در همین زمان حتماً باید برنامه تلاوت قرآن، تدبر در آیات و انس با کلام خدا را قرار داد که پیشنهاد می شود قبل از نماز در مسجد انجام پذیرد. اگر این برنامه، در هر شبانه روز به خوبی اجرا شود، عمده نیازهای جسمی و عبادی و پاره ای از نیازهای اجتماعی ما تأمین خواهد شد. ترک هر یک از این فعالیت ها در دوره زمانی طولانی جریان رشد متوازن را مختل می کند.

زمان ها

مجموع این فعالیت ها ۱۴ و نیم ساعت از شبانه روز را پوشش می دهد. وقت مفید باقی مانده ۹ و نیم ساعت است که باید برای آن در زمان های مختلف برنامه ای پیش بینی کرد. برای این کار نگاهی به انواع «زمان» در زندگی طلبه داشته باشیم:

- ایام درسی، شنبه تا چهارشنبه

● پنج شنبه ها و جمعه ها

● تابستان ها

● ایام درسی تعطیل (اعیاد، شهادت و مناسبت ها)

● تعطیلی محرم، رمضان، ایام فاطمیه

● ساعت های غیبت استاد یا هم بحث

● مسافرت ها

هر یک از این زمان ها دارای ویژگی جالب توجهی است. مثلاً پنج شنبه و جمعه زمان مستمری است که در طول سال به صورت مرتب و قابل پیش بینی تکرار می شود. «تناوب منظم» و «استمرار» دو ویژگی مهم این زمان است. این زمان برای فعالیت های ضروری که همیشه در دستور کار شخص قرار دارد، ولی نمی توان در شبانه روز برای آن وقت گذاشت بسیار مناسب است. تعطیلات رسمی، اعیاد و شهادت ها، گرچه زمانی قابل پیش بینی است، ولی سیکل منظم ندارد. ساعات غیبت استاد و هم بحث، معمولاً تصادفی و اساساً غیرقابل پیش بینی است. تابستان تعطیلی گسترده و متمرکزی برای فعالیت های عمده در اختیار طلبه قرار می دهد. یعنی هم پیش بینی پذیر است و هم فراخ و گسترده، ایام مسافرت غالباً با اشتغال ذهنی و روحی فراوان همراه است و پذیرش برنامه های سنگین را ندارد.

۱. برای ایام تحصیلی شنبه تا چهارشنبه در ۹ و نیم ساعت باقی مانده این برنامه پیشنهاد می شود:

درس ۴ ساعت

مطالعه و پیش مطالعه ۲ ساعت

مباحثه ۲:۳۰ ساعت

ص: ۵۱

مطالعات مورد نیاز(۱) ۱ ساعت

جمع کل ۹:۳۰ ساعت

از یک ساعت کار علمی، دقایقی به استراحت اختصاص می یابد. این استراحت کیفیت فعالیت علمی ما را افزایش می دهد.

در ابتدای هر مباحثه یا مطالعه، قرائت حدیث یا مسئله شرعی از رساله توضیح المسائل در نظر گرفته شود. این برنامه در ایام تحصیل و تعطیل قابل پی گیری است و مناسب است که از قبل، پیش بینی لازم برای آن انجام گیرد.

۲. برای پنج شنبه ها و جمعه ها در ۹ و نیم ساعت باقی مانده، این برنامه پیشنهاد می شود.

پنج شنبه ها

درس ۲ ساعت

مباحثه و مطالعه ۲:۳۰ ساعت

زیارت و دعای کمیل (برنامه عبادی ویژه) ۱ ساعت

امور ضروری مانند کارهای اداری، خرید، اصلاح و... ۲ ساعت

جمع کل ۷:۳۰ ساعت

در همین ساعات می توان برنامه دیدار از کتاب فروشی ها، کتابخانه ها و نمایشگاه ها را در نظر گرفت که علاوه بر نشاط روحی و تنوعی که از آن حاصل می آید(۲) موجب آشنایی با تازه های نشر و

ص: ۵۲

۱- . در این برنامه هرگاه سخن از «مطالعات مورد نیاز» شده، این موضوعات در نظر بوده است. تفسیر قرآن کریم، روایات اهل بیت علیهم السلام، تاریخ اسلام و سیره ائمه اطهار، تاریخ معاصر، تاریخ جهان، آثار شهید مطهری؟ رح؟، پیرامون حوزه و روحانیت، زندگی نامه بزرگان و مواردی از این دست.

۲- . «الکتب بساتین العلماء» غرر الحکم، حدیث ۹۹۱.

میراث مکتوب می گردد و اطلاعات عمومی فراوان و حساسیت های جدیدی برای ما فراهم می آورد. این حساسیت ها پرونده های تازه ای هستند که در ذهن و دل ما باز می شود و در فعالیت های آینده ما بسیار تأثیر می گذارد. این برنامه، انگیزه ما را در ادامه تلاش علمی تقویت می کند و نوعی معاشرت با اهل علم نیز محسوب می شود.

جمعه ها

نظافت و بهداشت (حمام، شستشو و اتوی لباس، تنظیم مجدد و نظافت محیط زندگی) ۲ ساعت

برنامه عبادی ویژه (دعای ندبه، سمات و...) ۱ ساعت

وقت اضافه نماز جمعه نسبت به نماز هرروز ۱ ساعت

ورزش و تفریح ۳ ساعت

دیدار از ارحام و رفقا، جلسات انس، ارتباط با شخصیت ها و اساتید، مشاوره و کسب راهنمایی ۲ ساعت

جمع کل ۹ ساعت

دیدار با رفقا و جلسات انس دوستانه، در راستای تأمین نیاز اجتماعی، موجب انتقال تجارب، علوم و اخبار می شود. قبض روحی و کسالت را برطرف می کند و می تواند به تدبیری برای یک فعالیت گروهی شایسته بینجامد.

حدود ۳ ساعت وقت اضافه در پنج شنبه و جمعه باقی می ماند که ظرف مناسبی برای تأمین یک نیاز مستمر است. برای این زمان، مطالعه و مباحثه تفسیر قرآن کریم که نیاز همیشگی یک مسلمان به شمار می رود پیشنهاد می شود.

۳. برای ایام تابستان -جز زمان مسافرت که با برنامه

ص: ۵۳

حساب شده و با پیش بینی کامل صورت خواهد گرفت- فعالیت در مراکز فرهنگی، مطالعات مورد نیاز، مرور درس های گذشته و کسب آمادگی برای درس های سال آینده پیشنهاد می شود. تابستان تعطیل نیست، فقط نوع فعالیت های صنفی طلبه عوض می شود. در تابستان فرصتی برای جبران بعضی از کمبودهای موجود در روند برنامه های صنفی و ایجاد تعادل و توازن در برنامه به دست می آید که بسیار مغتنم است. طبعاً برنامه ورزش و تفریح در این فصل کمی پررنگ تر از ایام تحصیل خواهد بود. (۱)

۴. برنامه تعطیلات رسمی: این ایام که حدود یک ماه از سال تحصیلی را در بر می گیرد زمان مناسبی برای کارهای درسی فوق برنامه است.

درس های فوق برنامه ۳ ساعت

آشنایی با موضوع تعطیلی، مطالعه برحسب مقتضای ایام ۲ساعت

شرکت در مراسم، تعظیم شعایر، ارتباط با اساتید و شخصیت ها، برنامه های جمعی و جلسات ۴:۳۰ ساعت

جمع کل ۹:۳۰ ساعت

۵. محرم، رمضان، فاطمیه

بر اساس قانون، طلاب پایه های نخست در این ایام تعطیل نیستند. سایر طلاب نیز به سفرهای تبلیغی می روند. با پیش بینی قبلی می توان این برنامه ها را در این زمان انجام داد: تحصیل متون دیگر، مطالعات مورد نیاز، ارتباط با اساتید، شرکت در مراسم معنوی و عزاداری و...

ص: ۵۴

۱- . برای برنامه ایام تابستان پس از این سخنی به تفصیل خواهیم داشت.

۶. ایام مسافرت: چون مسافرت انواع مختلفی دارد (سیاحتی، زیارتی، کاری، علمی، تبلیغی و...) دستور جامعی برای آن نمی توان ارائه کرد. ولی غالباً در سفر، تمرکز ذهنی، روحی و زمانی برای کار علمی جدی وجود ندارد. پرداختن به این برنامه ها - که مورد احتیاج ما است و نیاز به تمرکز فراوان هم ندارد- سفر ما را پربارتر می کند؛ مطالعه سرگذشت بزرگان یا کتب مورد علاقه دیگر، اطلاع از جامعه (سرزدن به مراکز فرهنگی و...)، دیدار از خویشاوندان، ارتباط با مردم، تفریح، ورزش، تنوع، تجدید قوای روحی، کسب نشاط و طراوت

۷. در ساعات غیبت استاد یا هم بحث رنگ علمی برنامه باید محفوظ بماند. مثلاً به کارهایی از قبیل تکمیل جزوات و تحقیق در موضوعات مورد نیاز درسی می توان پرداخت.

برنامه علمی

برنامه پیشنهادی زیر برای طلبه ای در نظر گرفته شده که دارای استعداد تحصیلی متوسط به بالا و قدرت جذب مباحث علمی است و در طی مدارج علمی دچار مشکل نمی شود. پشتکار، حوصله و همت کار مطالعاتی را دارا است. یعنی حاضر است روزانه حدود هشت ساعت در ساحت دانش آموزی و پژوهش سرمایه گذاری کند و از تنوع جویی و سرکشی به فضاهای اشتغال زا و مسئولیت های اجرایی پرهیز نماید. هدف تحصیل خود را نیز صاحب نظر شدن در یکی از دانش های حوزوی قرار داده است.

در این برنامه، نگاه ما به مراحل آموزشی حوزه نگاهی توصیفی است نه دستوری. یعنی فرض را بر این گرفته ایم که طلبه این متون

را به هر صورت تحصیل خواهد کرد. داوری نهایی پیرامون متون درسی و مراحل آموزشی حوزه بر عهده این دفتر نیست. بر این فرض، باقی مانده نیازهای علمی طلبه که در فعالیت رسمی به آن پرداخته نمی شود، در این برنامه پیش بینی شده است.

چنین طلبه ای ۴ دوره ۵ ساله علمی پیش رو دارد. در دوره اول و دوم (۱۰ سال) زمینه فعالیت علمی او تماماً رنگ «آموزشی» دارد. ۵ سال سوم، ترکیب «آموزش و تحقیق» با محوریت «آموزش» و ۵ سال چهارم ترکیب «آموزش و تحقیق» با محوریت «تحقیق» فعالیت علمی او را پوشش می دهد.

۵ سال اول آموزش مقدماتی

۵ سال دوم آموزش عمومی

۵ سال سوم آموزش تخصصی (و پژوهش)

۵ سال چهارم پژوهش (و آموزش تکمیلی)

آموزش در ۵ سال اول آموزش مقدماتی و در ۵ سال دوم آموزش عمومی و در ۵ سال سوم تخصصی است.

انس با قرآن و حدیث در ۵ سال اول جنبه مقدماتی دارد. یعنی در حد معناشناسی، آشنایی با مفاهیم، ترجمه ظاهری، تجزیه و ترکیب آیات و نیز آشنایی اجمالی با جغرافیا و زبان احادیث می باشد. مراجعه به شروح و تفاسیر، تنها به این هدف انجام می پذیرد. در ۵ سال دوم جنبه عمومی پیدا می کند. یعنی مطالعه عمومی تفسیر و علوم قرآن و آشنایی با مبادی علم حدیث، رجال، درایه، تاریخ حدیث و... و در ۵ سال سوم به فضای مباحث ویژه و مطالعه کتب تخصصی در این حوزه ها راه می یابد.

دانش های حوزوی: در دوره ۵ ساله اول ادبیات، منطق، فقه و

ص: ۵۶

اصول تا پایان کتاب «لمعه» و در ۵ ساله دوم فقه و اصول فقه تا پایان «کفایه» و فلسفه تا پایان «نهایه الحکمه» به خوبی تحصیل می شود و در ۵ سال سوم حضور فعال و پرمایه در درس خارج و تکمیل فقه و اصول، محور اصلی کار قرار می گیرد که به کسب توان تخصصی (اجتهاد) در این رشته می انجامد.

در مسئله برنامه ریزی دو هدف کلی را باید دنبال کرد. اول آگاهی از قواعد برنامه ریزی و کسب بینش کلی نسبت به برنامه، که از مقوله معرفت و یک فرایند ذهنی است. دوم التزام عملی به برنامه و اجرای کامل آن که از مقوله اراده و یک فرایند روحی است. تمام آن چه در بحث های گذشته بیان شد، تنها هدف اول را تأمین می کند و «شرط لازم» اقدام عملی است نه «شرط کافی» آن. از این پس همت و پشتکار و مجاهدت هر کس در به کار گرفتن این آگاهی ها نویدبخش آینده روشنی برای او خواهد بود.

سخن، گرچه پایان پذیرفت اما عمل، تازه باید آغاز گردد. زیرا آگاهی مقدمه عمل است.

«تَمَرَةُ الْعِلْمِ الْعَمَلُ بِهِ»^(۱).

ص: ۵۷

۱- غرر الحکم، حدیث ۴۶۲۴.

تابستان اوج حرارت و شور و حیاتِ طبیعت، و هنگام به ثمر نشستنِ درختان است. طبیعتِ نوشکفته فصل بهار، اینک پس از گذشت یک دوره چند ماهه، به بلوغ رسیده و در نهایت استواری و پختگی، آماده عرضه تحفه های خویش به آدمی است. درست مقارن این رویداد زیبای طبیعی، مراکز تحصیلی (آموزش و پرورش، دانشگاه ها و حوزه ها) فعالیت رسمی خود را خاتمه می دهند و جمعیت عظیمی از جوانان و نوجوانان، با پایان یک دوره کوشش مستمر تحصیلی، برای تجدید قوا و کسب طراوت و نشاط، برنامه رسمی خویش را رها می کنند.

کمی پیش از آن، طلاب کوشا و جوانان پر شور، در پی تنظیم یک برنامه فعالیت تازه برای حدود سه ماه فراغت رسمی، به جنب و جوش می افتند و با اساتید، مربیان و مشاوران، به گفت و گو می نشینند که «تابستان را چگونه بگذرانیم؟ در این فرصت گسترده چه نیازهایی تأمین کنیم؟ چگونه برنامه ریزی کنیم که بیشترین بهره را از این زمان دریافت کنیم؟»

این ها سؤال هایی است که این روزها رواج زیادی دارد و همه،

ناشی از احساس مسئولیت فراوان طلبه و درک درستِ مغتنم بودن لحظات عمر و کوشش برای بهره برداری بهینه از سرمایه حیات است. این نوشتار، کلیت برنامه ریزی تابستان طلاب را به صورتی کوتاه و گذرا مرور می نماید؛

۱. تابستان تعطیل نیست؛ گرچه مدارس علیمه برنامه کاری خود را تعطیل می کنند؛ اما طلبگی طلبه، یعنی طالب علم و کمال بودن و مسیر رشد را پیمودن، توقف بردار نیست. فرصت سه ماهه تابستان، سرمایه زمانی هنگفتی است که باید با هوشمندی و مراقبت از آن بهره گرفت و اندکی مسامحه و تقصیر در استحصالی آن بخشودنی نیست. تابستان زمانی معادل یک چهارم سال است که اگر به خوبی احیا نشود، خسارتی بزرگ و ندامتی بزرگ تر پدید می آورد. بنابراین، تابستان را نباید تعطیل پنداشت؛ آنچه در این زمان اتفاق می افتد، تغییر شکل برنامه تحصیلی است.

تابستان دوره رکود، سکون و توقف نیست؛ زمان آغاز یک تحصیل جدید و تنوع بخشیدن به آهنگ تکراری فعالیت های پیشین است. اگر جمعه ها و تعطیلات رسمی را از فرصت تابستان حذف کنیم و انتهای تابستان را نیز نیمه شهریور به شمار آوریم، حداقل ۶۰ روز مفید در اختیار داریم. اکنون اگر برای هر روز، ده ساعت خالص پیش بینی کنیم، سرمایه عظیمی معادل ۶۰۰ ساعت پیش روی ماست. برای این ۶۰۰ ساعت زمان ارزشمند قطعاً باید تدبیری اندیشید.

۲. تابستان زمان مناسبی برای فعالیت های درسی رسمی نیست؛ گروهی از طلاب سخت کوش، ایام تابستان را امتداد ایام تحصیلی می شمارند و همان ادبیات، منطق، فقه، اصول و کلام را

که در برنامه رسمی حوزه پیش بینی شده است، در این ایام دنبال می کنند. این گروه، گرچه در اصل بهره برداری از زمان و تشخیص وظیفه «سخت کوشی»، شایسته ستایش اند و بر اثر همین تلاش، از هم کلاسی های خود در برنامه درسیحوزه پیش می افتند، اما از گزند دو آسیب، سالم نمی مانند؛

خستگی فکری و روحی که موجب عدم آمادگی برای ادامه راه در سال تحصیلی آینده خواهد شد؛ برنامه آموزشی یک نواخت و پشت سرهم، تحمل انسان های معمولی را در می نوردد و دیر یا زود، موجب سردرد، کسالت و افسردگی می شود. طراوت و اشتیاق در تحصیل، نعمتی است به دست آوردنی که برای نگاهداری آن تلاش باید کرد؛ یکی از مهم ترین عوامل حفظ طراوت و نشاط، تنوع فعالیت ها است؛

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛ (۱)»

جان ما آدمیان -همچون تن ما- ملول و خسته می شود؛ پس برای آن حکمت های جدید و تازه بجوید».

تابستان اگر رنگ و آهنگ پاییز، زمستان و بهار را حفظ کند، از دایره حوصله ما فرا خواهد گذشت، آنگاه تلاشی که طی چند سال، موجب موفقیت سریع طلبه شده بود، بر اثر خستگی و فرسودگی یکباره، متوقف خواهد شد.

آسیب دیگر، محروم ماندن از کسب امور لازمی است که در غیر تابستان، فرصت فراگیری آن ها نیست؛ طلبه علاوه بر برنامه درسی

ص: ۶۱

حوزه، به دانش ها و مهارت هایی نیاز دارد که خارج از سیستم رسمی حوزه، باید برای پی گیری و کسب آن اقدام کند. اکتفا به روند آموزشی حوزه، موجب بقای پاره ای از خلأها در شخصیت ما طلبه ها و در نهایت ناکارآمدی صنفی ما خواهد شد.

نظام آموزشی حوزه بیشتر برای ایجاد دسته ای توانمندی های اساسی در شناخت دین و شاید شناخت فقه به معنای خاص، طراحی شده است؛ تسلط بر ادبیات عربی، منطق صوری، روش استنباط (علم اصول فقه) و... از جمله این توانمندی هاست. ظرف زمانی این آموزش نیز بیش از ۱۵ سال است. طلبه در ضمن تحصیل آن توانمندی ها در این گستره، نیازهای فوری دیگری هم دارد که باید با تدبیر هوشمندانه، در پی رفع آن باشد؛ به بیان دیگر، علاوه بر آموزش ماهی گیری، به ماهی هم نیاز دارد. برای مثال آشنایی با قرآن و حدیث، برای هر طلبه و بلکه برای هر مسلمان، یک ضرورت است. طلبه در دوره تحصیل خود، مقدمات، ابزار و امکانات آشنایی با قرآن و حدیث را فرا می گیرد؛ درک جایگاه معرفتی قرآن و روایات، صرف و نحو و بلاغت، قدرت تجزیه و ترکیب متون، توان مراجعه به کتب لغت، شناسایی منابع، آشنایی اجمالی با علوم قرآنی و علوم حدیث، توان بهره گیری از تفاسیر مختلف، تفکر اصولی برای استظهار و استنباط از عبارت، روش فهم متون و...، تجهیزاتی است که طلبه پس از سال ها تحصیل در حوزه، آرام آرام آن ها را فراهم می کند و با داشتن این تجهیزات، می تواند بهره شایسته ای از معارف دین به دست آورد. اما نمی توان انکار کرد که هر طلبه -بلکه هر مسلمان- در طول مدت تحصیل، برای زندگی خویش، به آشنایی با محتوای قرآن و حدیث -هر چند در مراتب پایین- نیاز دارد. اگر فرض کنیم که

تابستان و زمستان طلبه، به همین دروس متعارف صرف شود، چه زمانی برای تأمین این نیاز باقی خواهد ماند و چگونه این کاستی بر طرف خواهد شد؟

همچنین، در روزگار ما، برای طلبه لازم است که در کنار دروس خود، حداقل یک دور آثار شهید مطهری و سایر اندیشمندان بزرگ اسلامی را خوانده باشد؛ این آثار علاوه بر این که طلبه را با گزاره های محوری دین آشنا می کند، به پاره ای از مهم ترین پرسش های عصر ما پاسخ می دهد، توان مواجهه با نسل جوان را به ما می آموزد و در حقیقت معاشرت با اسلام شناس دردآشنای بصیری چون شهید مطهری است. این معاشرت طولانی، به انتقال حساسیت ها، نگرش ها، سلیقه ها، روحیات و دستگاه معرفتی آن بزرگ مرد می انجامد که این مهم برای طلبه بسیار مغتنم و حیاتی است.

۳. دانستیم که افزودن پهنای مسیر تحصیل، بر کوتاه کردن طول مسیر اولویت دارد و طلبه به جای بی تابی و شتاب در فراگیری متون کلاسیک، شایسته است به جامعیت برنامه خود و حفظ توازن کلان آن نظر داشته باشد و در تناسب اندام فعالیت های خود بکوشد؛ اکنون از این قاعده چند مورد را استثنا می کنیم؛

الف) طلابی که در آزمون پایان سال، نمره قبولی لازم را نیاورده اند (تجدیدی ها)، به اضطرار باید بخشی از تابستان خود را به ترمیم نقایص سال تحصیلی اختصاص دهند.

ب) پایه دوم - مشخصاً کتاب سیوطی و المنطق - برای طلابی که زمینه های آشنایی با صرف، نحو و منطق را پیش از حوزه داشته اند و در سال اول با موفقیت کامل از حلقه مقدماتی صرف، نحو و منطق عبور کرده اند؛ ادبیات عربی و منطق، دو علم

مهم

ص: ۶۳

کاربردی است که بیشتر، از راه تمرین و تجربه عملی جذب دستگاہ هاضمه علمی طلبه می شود. سیوطی و منطق مظفر، بسط یافته آموزه های صمدیه و منطق پایه اول است و گره کوری از کار طلبه نمی گشاید. این سخن، هرگز به معنای نفی ارزش این دو کتاب نیست و به هیچ عنوان نباید توصیه به سهل انگاری تلقی شود، بلکه پیشنهادی است تنها و تنها برای طلابی که از نعمت خوش ذهنی و همت و سخت کوشی بهره مند هستند؛ اینان به خاطر داشتن این ویژگی ها، کلاس درس سیوطی و المنطق را تُنک و کم مایه احساس می کنند و از تکرار مکررات آزرده خاطر و ملول می گردند. چنین کسانی، مناسب است که با برنامه ریزی هوشمندانه (ترجیحاً تحت نظر یک استاد یا یکی از طلاب پایه های بالاتر)، از اواسط پایه اول، اقدام به تحصیل فشرده این دو کتاب نمایند و تا اواخر تابستان، خود را برای آزمون ارتقایی آماده کنند.

تنها تفاوت این طرح با برنامه رسمی پایه دوم، سرعت آن است؛ بنابراین همه کتاب سیوطی و المنطق، باید بدون ممیزی و تلخیص خوانده شود و کیفیت فهم متن نیز نباید آسیب ببیند. برای این منظور، باید از نوار درسی، استاد خصوصی و شروح موجود، و همچنین تجزیه و ترکیب فراوان عبارات عربی و تمرین گسترده قواعد منطقی بهره گرفت.

ج) پایه ششم (مشخصاً قسمت سوم لمعه شهید و مجلد دوم اصول مظفر)؛ طلبه پایه ششم، طی دو سال کامل، کتاب لمعه را زیر و زبر کرده و با فراز و نشیب عبارات آن کاملاً آشناست؛ زبان فقهی شهید اول و ثانی برای او تازگی ندارد و پیچ و خم های متن را به خوبی تجربه کرده است؛ اکنون با این سرمایه علمی، آمادگی آن دارد

که بدون دستگیری لحظه به لحظه استاد، به استقلال و به سرعت، باقی مانده کتاب را به پایان برساند. از چنین طلبه ای می توان توقع داشت که با مباحثه و مطالعه قوی، در مدت زمان کوتاهی، از عهده لمعه برآید؛ بدون آنکه آسیب قابل ذکری به کیفیت تحصیل او وارد شود، مشروط بر این که کتاب را از آغاز تا به اینجا به خوبی درس گرفته باشد. در جلد دوم اصول مظفر نیز این مسئله جاری است؛ افزون بر این، حجم تحلیل های فنی و دشواری های نفس گیر در این مجلد، نسبت به جلد اول، به شدت کاهش یافته است و نیز مباحث جلد دوم، با بسط و تفصیل شگفت آوری در رسائل شیخ انصاری بازخوانی خواهد شد.

مجموع ویژگی هایی که بیان شد، فشرده سازی زمان این دو متن را تجویز می کند، بلکه این چگونگی، معمولاً کلاس درس لمعه و اصول را در پایه ششم، برای طلاب مستعد و کوشا خسته کننده و کم فایده می نماید.

د) انتهای دو کتاب رسائل و مکاسب؛ آنچه درباره لمعه و اصول فقه ذکر شد، درباره بخش پایانی کتاب رسائل و مکاسب نیز صادق است. خستگی روحی ناشی از یک دوره ارتباط مستمر با یک متن، یک قلم، یک موضوع و یک سبک نگاه که روح تنوع جو و نوگرایی جوان را می آزارد، آن هم در لایه های عمیق و تخصصی دانش که به حوصله و تمرکز فراوان نیاز دارد و نیز انس گرفتن با قالب و تسلط بر محتوای کتاب در اثر توانمندی درگیری با متن و...، مجموعاً جواز عبور سریع از متن را برای طلبه صادر می کند.

بار دیگر تأکید می شود که این پیشنهاد، تنها یک تدبیر برای برنامه ریزی علمی، براساس واقعیت ها و توانایی های طلبه است و

هرگز به معنی فرو کاستن ارزش علمی این متون و یا توصیه به حذف آن ها نیست.

ویژگی های دوره تحصیلی سطح ۲

بی مناسبت نیست که به بهانه ذکر خیری که از دو کتاب رسائل و مکاسب به میان آمد، به برخی از ویژگی های دوره تحصیلی سطح ۲ پردازیم؛ بر اساس این ویژگی ها، شاید بتوان دوره چهار ساله تحصیل رسائل، مکاسب و کفایه را پرفشارترین مرحله رشد علمی طلبه دانست و از آن با عنوان دوره تلاطم هویت طلبه یاد کرد. این وضعیت مرهون چگونگی های زیر است:

یکم. روح تنوع جوی جوان از دشواری کشنده و یکنواختی فرساینده متون و تکرار مباحث، خصوصاً در علم اصول سخت گلایه مند است.

دوم. بسیاری از مباحث را، به خصوص در پاره ای از فروع فقهی و نیز در جای جای علم اصول، بی فایده، انتزاعی و دور از واقعیت عینی اجتماعی می بیند، پس از ساعت ها صرف توان و هزینه مبالغ هنگفتی از سرمایه فکری و زمانی، به نکته کارگشایی برنمی خورد و نسبت به بهره فراگیری این متون، توجیه عقلانی شایسته ای در اختیار ندارد و در پیشگاه وجدان خود، دائماً محکوم است. جملات پراکنده ای از زبان بزرگان هم بر این التهاب می افزاید. این حکایت دردآور، نهاد حقیقت جوی طلبه را سخت آزرده و آشفته می سازد و توان فعالیت را از او می رباید.

سوم. طلبه در آغاز این فراز، دست کم شش سال به تحصیل اشتغال داشته و به عنوان یک حوزوی (روحانی) در میان مردم

شناخته شده و جا افتاده است و چه بسا جامعه مقدس روحانیت را نیز بر تن کرده باشد. اکنون بدنه جامعه از او توقع بسیار دارد؛ در این شرایط هر چه طلبه با اجتماع بیشتر مرتبط باشد، این انتظار و تقاضا را در نگاه و بیان توده مردم بیشتر احساس می کند. به همان تناسب که آگاهی عمومی مردم بالا آمده و روابط اجتماعی پیچیده تر شده است، موضوعات متداول و پرسش های نوین هم تعدد یافته و مسئولیت طلبه هم بیشتر شده است.

از سوی دیگر، به دارایی هایی که در سال های نخست طلبگی اندوخته (از صرف، نحو، بلاغت، تجوید، فقه، اصول، منطق و کلام) نظر می کند و در میان آن سخن مشترک مناسبی برای مفاهمه با مردم - خصوصاً اقشار فرهیخته و تحصیل کرده - نمی یابد؛ اقشاری که از او انتظار دارند سخن دین خدا را در موضوعات مختلف زندگی، با تجزیه و تحلیل قوی عرضه کند و روح عطشناک آن ها را در آشنایی با کلیت تعالیم دین سیراب سازد.

به این ترتیب، طلبه خود را شایسته پاسخ گویی به آن انتظار و تقاضا نمی بیند؛ آن گاه در مقایسه با دوستان و هم قطاران خود که روزی در کنار آن ها و پشت یک نیمکت درس می خوانده و امروز هر یک اسم و عنوان کارشناس، کارشناس ارشد، استاد، دکتر، مهندس و غیره را یدک می کشند، احساس خوشایندی ندارد.

با صرف نظر از این جانب اثباتی، ثبوتاً طلبه، دست خالی است و برای زندگی شخصی خود نیز، به آشنایی با تعالیم دین بسیار بیش از آنچه که دارد، نیازمند است.

چهارم. طلبه در این دوران، با ازدواج به فضای سازنده زندگی خانوادگی پای گذاشته و در معرض تجربه های جدیدی قرار می گیرد.

این تحوّل بزرگ در زندگی طلبه، امواجی از مشکلات و مسائل را در زندگی او فرو نشانده؛ و البته به صورت طبیعی، مسائل تازه ای از جمله تدبیر معیشتی و تأمین اقتصادی، فراروی او نهاده است؛ مسائلی که طلبه، سابقه درگیری با آن ها را ندارد. به این ترتیب، دغدغه یک فعالیت جانبی نیز طلبه را همراهی می کند.

پنجم. طلبه از تحت نظارت مدرسه خارج شده، برای تنظیم برنامه کاری خود، اختیار بیشتری دارد.

ششم. طلبه در آستانه انتخاب یک گرایش تحصیلی قرار دارد، ولی هنوز آگاهی های لازم برای انتخاب رشته تخصصی و ورود به آن را کسب نکرده است.

این همه در صورتی است که طلبه فعالیت خود را به تحصیل دروس رسمی حوزه محصور کرده باشد و هیچ هنر، دانش و توان دیگری نیاموخته باشد. اما اگر در حاشیه فعالیت های تحصیلی رسمی، آگاهی ها و مهارت های دیگری نیز اندوخته باشد، هیچ یک از عوارض پیش گفته بر او چیره نخواهد شد.

رهایی از این گرداب سهمگین، در گرو یکی از این دو پیشنهاد است: استقامتی فراوان بیش از طاقت نوع طلبه ها، یا تنوعی در برنامه کاری که ترمیم کننده همه آن کاستی ها و عوارض باشد.

برخی از دروس جنبی موجود در نظام آموزشی حوزه، به هدف رفع همین نارسایی ها در برنامه علمی طلبه تعبیه شده است. مراکز تخصصی و مؤسسات علمی وابسته به حوزه نیز در شرایط کنونی، همین نقش را در زندگی شخصی طلبه ایفا می کنند. به نظر می رسد، طلابی که جذب این مجموعه ها می شوند گرچه در نگاه نخست، از برنامه تعریف شده اصلی، اندکی خارج می شوند، ولی در نظر نهایی،

از توازن شخصیتی و جامعیت صنفی بیشتری برخوردار هستند و در ادامه مسیر، پرشورتر، موفق تر و مؤثرتر ظاهر می شوند.

پیشنهادی که در این نوشته برای برنامه تابستانی طلاب ارائه شده، ناظر به این واقعیت ها (آینده طلبه در دوره سطح دو) بوده است.

در تابستان چه کنیم؟

۱. بدون تردید، فصل تابستان باید خستگی ۹ ماه تلاش علمی سنگین را بزدايد و نشاط و طراوت تحصیلی را بازسازی کند. به همین منظور لازم است:

الف) برنامه کاری طلبه به صورتی متفاوت با رویه گذشته او طراحی شود تا یک نواختی برنامه به فرسایش روحی او نینجامد.

ب) تنوع شایسته ای در فعالیت های فصل تابستان در نظر گرفته شود.

ج) در صورت امکان، تابستان در یکی از مناطق خوش آب و هوا و خنک سپری شود و یا دست کم یک برنامه مسافرت کوتاه، به هدف تجدید قوا در نظر گرفته شود.

شهر مقدس قم، گرچه از نظر امکانات تحصیلی برای طلبه، بهترین جا است، اما به جهت آب و هوای گرم و خشک، و کمبود مناظر طبیعی، مکان مناسبی برای گذران فصل تابستان نیست، در عین حال، کسانی که امکان انتقال به جای دیگری را ندارند، با افزودن برخی برنامه های تفریحی و ورزشی علاوه بر بهره گیری علمی فراوان از فصل تابستان باید در صدد تأمین این نیاز نیز باشند.

۲. از آنجا که پیمودن راه بدون همراه دشوار است، مناسب

است که دوستان طلبه، در برنامه تابتانی خود، نوعی مشارکت جمعی را تجربه کنند. کمترین اندازه این مشارکت، همفکری، همکاری و همدلی «دو» طلبه در برنامه تابتانی است.

۳. تابتان بهترین فرصت برای مطالعات متفرقه است؛ منظور از این امور، دانش‌هایی است که برای طلبه لازم است و امکان تحصیل آن در ایام درسی وجود ندارد. پیش از این به «آشنایی با قرآن و حدیث» و نیز «آثار اندیشمندان بزرگ اسلامی»، به عنوان مهم‌ترین مصادیق این مطالعات اشاره کردیم. اینک چند نمونه دیگر را یادآور می‌شویم:

الف) هویت صنفی روحانی؛ اطلاع انسان از موقعیت و محیطی که در آن قرار گرفته، به او کمک می‌کند که از فرصت‌ها و امکانات، بهتر استفاده کند. کسی که امکانات خود را خوب نمی‌شناسد و یا با خطرات و آسیب‌ها آشنا نیست، در تشخیص وظیفه خود دچار مشکل می‌شود. بسیار مناسب است که طلبه ضمن کار حوزوی خود، گاه از فضای روزمره فاصله بگیرد و از افقی دورتر به محیط حوزه، به اهداف، رسالت‌ها و سرمایه‌ها نظر افکند و چشم‌انداز وظایف آینده خود را براساس آن ترسیم کند. چنین نگاهی، جهت‌گیری اصلی حرکت او را اصلاح می‌کند.

ب) مباحث کلامی جدید؛ آشنایی با برخی مباحث بنیادین که بنای اندیشه و عمل انسان بر آن استوار است و امروزه دچار ابهام‌های فراوان است، برای طلبه، هم در زندگی شخصی و هم در ارتباط اجتماعی، به خصوص با نسل جوان، ضروری است. بخش عمده‌ای از این مباحث در آثار شهید مطهری قابل دست‌یابی است. در عین حال، مناسب است که به صورت مستقل نیز به آن

ج) کتب اخلاقی؛ آشنایی با اخلاق الهی، به عنوان مهم ترین هدف بعثت انبیاء، برای هر انسانی به طور عموم، و برای طلبه به خصوص لازم است. تنظیم سلوک فردی و اجتماعی انسان بر اساس هنجارهای دینی، به این آشنایی وابسته است. انس طلبه با این مباحث، موجب ارتباط با عمق پیام دین می شود و یک ضرورت به شمار می رود.

د) تاریخ؛ ضرورت مطالعه تاریخ اسلام و تاریخ سیاسی معاصر، امروزه بسیار روشن است؛ احاطه بر تاریخ که داستان زندگی ما انسان ها در اعصار گذشته و در لباس دیگران است، توان تجزیه و تحلیل رخدادهای تاریخی، هم چنین هوشمندی سیاسی انسان را بالا می برد و از گرفتاری در دام فریب ایمن می گرداند.

۴. تحصیل علم تا سال های متمادی مهم ترین وظیفه طلبه است. دسته ای از مهارت ها، مسیر تحصیل علم را هموار و سرعت آن را زیاد می نماید. به دست آوردن این مهارت ها برای طلبه، به منزله دست یابی به یک ابزار پیشرفته است که او را با صرف انرژی اندک، به نتایج بزرگ می رساند. بخشی از این مهارت ها عبارت است از تندخوانی، درک مطلب، تقویت حافظه، تمرکز، خلاصه نویسی، یادداشت برداری، مباحثه، برنامه ریزی تحصیلی، تندنویسی،

ص: ۷۱

۱- . متونی که توسط مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی ره برای دوره آموزش تابستانی دانشجویان «طرح ولایت» آماده شده است، برای این منظور مفید است، به خصوص آشنایی دانشجویان با این مطالب اقتضا دارد، طلابی که قصد ارتباط با نسل دانشجوی کشور را دارند، از احاطه کافی نسبت به آن برخوردار باشند.

کتاب شناسی، نویسندگی، ویراستاری، روش پژوهش و... برخی مهارت های عمومی نیز برای طلبه مفید و در کارآمدی او مؤثر است؛ مانند خوشنویسی، تجوید و قرائت قرآن، آشنایی عمومی با کامپیوتر، اینترنت، ماشین نویسی (تایپ)، رانندگی و وسایط نقلیه، فنون نظامی و برخی از ورزش ها. فراغت ایام تابستان، زمان مناسبی برای تحصیل این مهارت ها است.

۵. تابستان، بهترین فرصت برای انجام فعالیت های فرهنگی است. ضرورت فعالیت فرهنگی و چگونگی تعبیه آن در برنامه کاری طلبه، پیش از این به تفصیل بیان شده است.

به روشنی پیداست که تراکم این همه فعالیت، از گنجایش یک فصل تابستان بیشتر است و نمی توان همه این اهداف را در فرصت دو یا سه ماه دنبال کرد، اما می توان با برنامه ریزی درست و اجرای جدی آن، بیشترین و بهترین بهره را از فصل تابستان برد و نیز می توان این فعالیت ها را برای چند تابستان متوالی در نظر گرفت و چشم انداز کاری چند ساله ای را طراحی کرد.

ص: ۷۰

منشورات ولأء منتظر عجل الله تعالى فرجه الشريف

- عصر الامام الخميني ره (ترجمه عربي)
- منشور فرهنگ از ديدگاه امام خميني ره
- وظائف متقابل حوزه و نظام اسلامي از ديدگاه امام خميني ره
- عبرت هاي عاشورا
- ارتجاع روشن فكري بعد از انقلاب اسلامي
- مهاجر، زندگي نامه شهيد حجت الاسلام ابراهيمي
- دشمن شناسي، بررسي رهنمود هاي مقام معظم رهبري
- جستاري بر پايان جنگ
- منشور فرهنگ از ديدگاه مقام معظم رهبري
- وظائف متقابل حوزه و نظام اسلامي از ديدگاه مقام معظم رهبري
- ولايت فقيه از ديرباز تا امروز
- آزمون خواص در حكومت اسلامي
- تبار انحراف، پژوهشي در جريان شناسي انحرافات تاريخي
- طوفان بلا در كربلا

- شناخت و بررسی شیطان پرستی
- آخرالزمان و آینده گرایی سینمایی؛ بررسی و تحلیل بیش از پانصد فیلم
- دین و سینما، گزاره های اعتقادی؛ بررسی و تحلیل بیش از سیصد فیلم
- دین و سینما، آموزه های اخلاقی و ارزشی؛ بررسی و تحلیل بیش از سیصد فیلم
- سینمای سیاسی، سیاست سینمایی؛ بررسی و تحلیل بیش از پانصد فیلم
- تلخیص عصر امام خمینی ره
- عصر امام خمینی ره و بیداری بشر معاصر (دوره پنج جلدی)
- دفاع مقدس، رخداد عظیم
- در قلمرو اندیشه های دفاعی امام خمینی ره
- جنگ و قطعنامه های سازمان ملل متحد
- دانش تحصیل دانش
- کانال و مهتاب
- هزار و نه
- خمپاره خواب آلود
- راه مستقیم انقلاب؛ فرآیند پنجگانه تحقق اهداف نهضت اسلامی از منظر امام خمینی ره و حضرت امام خامنه ای (دوره دو جلدی)
- دشمن شناسی در کلام امام خامنه ای

● نصرت خدا، تجلی بیداری اسلامی

● بوستان معرفت

ص: ۷۴

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

